

وقتی که سوء تفاهمی واقع میشود دولتها اگر قابلیت رفع سوء تفاهم را ندارند کنار میروند. چوئی میکنند بلکه آنها بتوانند سوء تفاهم را رفع بکنند (حاذقی - حالا هم همینطور است) بنده بیش از این صلاح میدانم که کار بلا تکلیف بماند، امروز دولت باید بقیده من یا تصیم بگیرد کاینه را ترمیم بکند و اشخاصی که صلاحیت ندارند از کاینه خارج بشوند و اشخاصی که صلاحیت دارند وارد شوند بلکه وضیت ما بهتر بشود یا اگر دولت این کار را نتوانست بکند هر چه زود تر بیاید در مجلس بگوید و از کار کناره چوئی بکند مقصود این است که دولت اگر اطمینان برای پیشرفت کار دارد هر چه زود تر بیاید در مجلس اظهار بکند تا رفع نگرانی از جامعه بشود (صحیح است) میگویند مرضی را بحکیم متوسطی رجوع کردند و باو گفتند که این را بشما رجوع میکنیم ولی اگر مرضی خطر داشته باشد ما خبر بدهید که ما برای او یک حکیم بهتری تهیه کنیم؛ حالا من خواستم این را عرض کنم که اگر واقعا این دولت نمیتواند کاری بکند بکروز نیاید ما بگوید که کار از کار گذشته است، امروز هر چه زود تر این دولت بیاید بمجلس شورای ملی و نظریات خودش را اظهار بکند صلاح جامعه است (صحیح است) دلیل ندارد که دولت مردم را و جامعه را از اقدامات دولت و کار دولت بیخبر بگذارد. ما الان متجاوز از یکماه است وارد این جریانات شده ایم و ملت و جامعه بی خبر است.

طرز حل اختلاف

بین دولت و مودیان مالیات بر درآمد

و نیز در همین جلسه راجع به لایحه طرز حل اختلاف بین دولت و مودیان مالیات بر درآمد دکتر مصدق نظریاتی اظهار نمود که از مجله مذاکرات مجلس شماره ۲۴۳ صفحه ۸۴۲ و ۸۴۳ نقل میشود:

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق.

دکتر مصدق - من از دو نظر با این لایحه مخالفم اول اینکه خود لایحه خوب تنظیم نشده در آبان سال ۱۳۲۲ تحت نفوذ دکتر میلیسبو قانون مالیات بر درآمد که برخلاف مصالح مملکت بود وضع شد (صحیح است) ما جنگ نداشتیم و مالیات جنگی وضع کردیم، امور اقتصادی ما در دست افراد است ما قوه فعاله و حس تولید را از افراد سلب کردیم، مالیات ۸۰٪ البته سبب میشود که قوه عامله و تولید از مردم برود بهمین دلیل هم مردم زیر بار مالیات ترفتند این مالیات را نپرداختند و خود دولت هم که يك لایحه اینجا آورده است و نرخ مالیات را کم کرده دلیل بر این است که عرایض من را خود دولت تصدیق کرد، چون ما خیلی وقت نداریم و مدت دوره مجلس کوتاه است چیزی نتانده به آخر دوره مجلس تصور میکنم هر قدر در این لایحه دولت مذاکره شود وقت مجلس تلف میشود برای اینکه این لایحه بتمام معنی ترویج رشوه میکند (چند نفر از نمایندگان - صحیح است) رشوه را در مملکت ترویج میکند ما میخواهیم که رشوه را برداریم و این وزرای ما میخواهند رشوه را ترویج بکنند (تهرانچی - وعده رشوه هم درش هست).

نایب رئیس - آقای تهرانچی خواهش میکنم بدون اجازه صحبت نفرمائید

دکتر مصدق - فستی از ماده واحده اینست: «برای اجرای سریع و عادلانه مقررات

مالیات بردرآمد مصوب ۱۹ آبان ۱۳۲۲ یکمسیون های مقرر در ماده ۱۹ قانون مزبور اختیار داده میشود که اختلافات بین وزارت دارائی و مؤدی را از طریق جلب توافق طرفین حل و فصل نمایند. یعنی چه؟ جلب توافق طرفین یعنی چه؟ يك اشخاصی مشمول قانون ۱۹۸۰ بودند حالا مالیاتشان را پرداخته اند آنها بیایند در این کمیسیون ها توافق حاصل میکنند بچه ترتیب؟ البته همه میدانند که در این ملکیت چگونه توافق حاصل میشود و وضعیت ملکیت برای توافق چطور است، در حقیقت با این لایحه اشخاص صحیح العمل نمیتوانند يك عایدات کسی را قلمداد میکنند صحیح مینویسند و همان را مینویسند و وقتی که رفت در کمیسیون خیلی خوب معین میکنند که عایدات من این است کمیسیون هم مطابق قانون مدی هشتاد را اجرا میکند آنجا که نمیتواند چیزی بگیرد، مودی خودش آدم درستی است آمده است مالیاتش را بدهد کمیسیون هم میگوید حالا که تو آمدی چون مثلاً بیست هزار تومان عایدی داری از قرار این نرخ باید بندهی تو مشتری من نیستی باشو و بروی کارت، اما اشخاصی که مشتری کمیسیون هسته اینها که عایدات صحیح نمی نویسند آنها صد هزار تومان اگر داشته باشند بیست هزار تومان تعیین میکنند و در کمیسیون هم که میروند وسائل ترضیه اعضا کمیسیون را فراهم میکنند البته با این وضع بالاخره آدم صحیح ازین میروند، آدم صحیح صدی هشتاد مالیات میدهد ولی آدم مستکف و آدمی که اظهار نامه غلط تنظیم میکند حسابش تصفیه میشود. این جا نظر دارائی این بوده است که حساب مالیات ها را تصفیه بکنند دو جور. است يك وقت از مردم برای تولد چیزی میگیرند، يك وقت است مأمور تصفیه برای خود چیزی میگیرد و حساب مؤدی را تصفیه میکند با این ماده واحده بیشتر حسابها بطور اخیر تصفیه میشود يك کسی میگفت که اگر شخص فلانی وزیر دارائی بود من این لایحه را ۱۵ میلیون مفاطمه منگرم حرف هم کاملاً صحیح است بنده این را باید عرض کنم که وزرای ما باید يك کاری بکنند که فساد اخلاق رفع شود صحت عمل و درستی را ترویج بکنند نه اینکه بموجب قانون بیایند يك کارهایی بکنند که فساد اخلاق در ملکیت بشام معنی در تمام شئون ما رخنه کند (صحیح است) این یکی و یکی دیگر هم يك اصل سیاسی دیگری داریم در این تعبیر، اصل سیاسیش «تعبیر» است که بعد از اینکه میروند در این کمیسیونها مذاکره میکنند و کمیسیونها را راضی میکنند و بعد مفاطمه حساب داده شده آنوقت تازه اگر وزیر دارائی اگر يك و کبلی در این مجلس يك حرفی برخلافش بزند حق دارد که بیخ غرض را بگیرد و بگوید که من بهش اعتراض دارم این هم يك حق سیاسی است برای اینکه وزیر- بتواند اعمال نفوذ در مجلس، در کمیسیون، در تمام مقامات و طبقات برای خودش بکند اینها جنبه سیاسی دارد وقتی که بنا شد کمیسیون تعیین کند دیگر وزیر دارائی چه حق دارد؟ مینویسد: «وزیر دارائی با قائم مقام آن حق دارد نسبت بتوافق یا آراء صادره از کمیسیونها نسبت به واردی که میزان مالیات آن از پانصد هزار ریال بیشتر است اعتراض نماید و رجوع رسیدگی آنرا در مرحله نهائی بدیوان دادرسی دارائی معقول نماید» خدای نکرده اگر وزیر دارائی عرض کم آدم دزدی باشد بیگناه میباید که تو یا مرا بین تا من اعتراض نکنم، این اصلاً هیچ کاری هم ندارد این است که من عرض میکنم که قانون وقتی در مجلس وضع- میشود باید جلوی دزد را بگیرد، باید جلوی دزدی را بگیرد، باید جلوی فساد اخلاق را بگیرد الان شما ببینید بدبختی ما و این وضعیاتی که امروز در ملکیت پیش میآید بخدای احدی واحد همه اش از فساد اخلاق است، از هیچ چیز نیست (صحیح است) همه مردم بواسطه فساد اخلاق نا راضی هستند، هیچکس از هیچ چیز اطمینان ندارد هر جایی که شما میروید حرف بزنید

صحت رشوه است، پول است و کارهای فساد اخلاق است اینست که بنده عرض میکنم که قانون باید این جور چیزها درش نباشد بنده يك قانونی پیشنهاد کرده ام و دولت هم يك لایحه دیگری آورده است در مجلس که نرخ مالیاتی را کم کرده است حالا بنده راجع بآن نرخ نظریاتی دارم که بعد عرض میکنم ولی با آن لایحه بنده موافق هستم، این ماده پیشنهادی بنده را در همان لایحه کمیسیون فواین دادگستری و دارائی درج بکنید تا تکلیف این کار کنده بشود و کار مردم تصفیه بشود چون لایحه دولت اساساً از سال ۱۳۲۵ است و مؤدیان مالیاتی از سال ۱۳۲۵ بعد مشمول آن لایحه هستند که دولت آورده است آنوقت دولت برای مالیات سال ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ هیچ تکلیفی معین نکرده تکلیفش را این لایحه مبتدل و منتضح معین کرده، ماده پیشنهادی بنده این است: «اشخاصی که مالیات ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ خود را طبق قانون ۱۹ آبانماه ۱۳۲۲ مالیات بر درآمد پرداخته اند از تاریخ تصویب این قانون تا سه ماه می توانند بطریق ذیل بدهی خود را پرداخته و حساب مالیاتی خود را تصفیه کنند.

اول - هر گاه مالیات از بابت درآمد املاک مزدوعی باشد معادل دو برابر مبلغی که از بابت مالیات ارضی همان ملک در سال ۱۳۱۳ پرداخته شده و مالیات خالصجاتیکه بعد از سال ۱۳۱۳ فروخته شده صدی بیست حد متوسط عایدی است که در سه سال اخیر قبل از مصامحه عایدات دولت شده است.

دوم - در صورتی که مالیات از بابت سایر انواع درآمد باشد معادل سه برابر مبلغی که همان شخص از بابت مالیات بر درآمد خود در سال ۳۲۱ تأدیه نموده - است - اینهم دوم.

سوم - مؤدیانی که در ظرف سه ماه حساب مالیاتی خود را طبق مقررات قانون آبان ۱۳۲۲ و یا این قانون تصفیه نکنند علاوه بر آنچه مدیونند جریمه معادل صدی ده بدهی خود در هر ماه باید بپردازند و از جریمه اینکه بند الف از ماده ۱۶ قانون آبان ۱۳۲۲ برای ندادن اظهارنامه تعیین نموده است معافند، ماده که بنده پیشنهاد کرده ام بتام معنی تصفیه بقایای مالیاتی عموم را میکند بجهت اینکه این مردمی که حسابشان تصفیه نشده است از سال ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ اگر خواستند مطابق قانون مالیات بر درآمد تصفیه بکنند بسیار خوب بروند تصفیه بکنند چنانچه در مدت سه ماه نرفتند و تصفیه نکردند از اینها در هر ماه صدی ده جریمه بگیرند جریمه صدی يك که دولت طبق قانون مالیات بر درآمد میگیرد يك چیزی بی معنایی است بجهت اینکه صدی يك، تومانی صد دینار میشود يك کسی احتیاج پول دارد یا پول ندارد میگوید چرا مالیات دولت را ما بدهیم اگر بخواهیم برویم جای دیگر قرض کنیم تومانی سه شاهی يك عباسی میگیرند و تازه و تیغه و بیع شرط هم میخواهند خوب مالیات را نمیدهیم هر وقت هم مالیات خواستند تومانی صد دینار هم جریمه بخواهند اشکالی ندارد اینست که جریمه صدی يك مؤدیان مالیاتی در حقیقت اثر مهمی ندارد این اشخاص همان - طور که عرض کردم اگر قانون مالیات بر درآمد را قبول کردند و خواستند بدهی خود را از آتراه تأدیه کنند باید در ظرف سه ماه حساب خودشان را تصفیه کنند و اگر نکردند ۱۰٪ در هر ماه بدهند این راجع به طبقه ای که مالیات بر درآمد را نمی خواهد قبول کند، اینها هم بنده روی نظریات خود کمیسیون نوشت ام میگوید خوب اگر این مؤدی بدهکار از بابت ملکش است در سال ۱۳۱۳ که مالیات ارضی گرفته میشد در آن سال هر چه بدولت پرداخته است حالا دو برابر آنرا بپردازد و حسابش را تصفیه کند این دیگر نه کمیونی دارد

نه رشوه دارد نه بکیر دارد نه بده دارد نه «توی» وزیر دارد، مؤدیانی هم که از بابت غیر مالیات ارضی بدهکار هستند آنها هم در ۱۳۲۱ هر چه پرداخته اند چنانچه سه برابرش راناسه ماه پرداخته هیچ والامدی ده چریبه بدهند این کار را خود مجلس تصفیه کرده است و مردم میدانند چه بدهکارند حساب خودشان را تصفیه میکنند بقیه بده این قانونی که دولت آورده بنام معنی مخالف صلاح مملکت است و آنچه که بنده پیشنهاد میکنم مسلماً در صلاح مملکت است حالا اگر آقای وزیر مسالیه میفرمایند عرایض من برخلاف مصلحت است توضیح بفرمایند...

پاسخ آقای هژیر وزیر دارائی

وزیر دارائی - پیشنهاد آقای دکتر مصدق اینطوری که بنده می بینم يك تفاوت اساسی فقط با این لایحه ای که امروز بصورت راپرت کمیسیون مطرح شده است دارد والا در این لایحه که اینقدر مورد بیبهری آقای دکتر مصدق قرار گرفته است عین همین دو مطلبی که خودشان هم متذکر شدند در اینجا هست (دکتر مصدق - باب رشوه اش را بسته است) با يك تفاوت که در لایحه دولت این دوشرطی که فرمودند يك قیدی داشت (یعنی لایحه قبلی دولت چون این در کمیسیون اصلاح شده است) و آن قید این است که نسبت باملاک مزدروعی پیشنهاد آقای دکتر مصدق را لازم الاجرا میدانند مشروط بر اینکه مبلغ ازیست هزار ریال بیشتر نباشد (دکتر مصدق - برای چه؟) عرض میکنم در قسمت دوم هم باز مطابق نظر آقای دکتر مصدق است مشروط بر اینکه مبلغ از ده هزار ریال بیشتر نباشد (بکنفرانمایندگان - رشوه اش کمتر میشود) (تهرانچی - این کار قطعی است تفاوتش این است) (پوررضا - این تفاوت دیگر هم دارد) حالا اجازه بدهید عرایض بنده که تمام شد آنوقت آقایان هم بفرمایند اولاً مابین این قانون فعلی در مرحله اجرائیش چند تا شده است تا امروز، یکی اینکه یکمده آقایانی که بایستی مالیات بدهند استناد کرده اند به هشت ماه مرور زمان و مدت هم گذشته است (دکتر مصدق - مال بنده تعهد کرده است مرور زمان را) بنده دلائل دولت را دارم عرض میکنم، در تقدیم این لایحه آن مرور زمان قطع میشود، اما از حیث توافق که می فرمایند اینکه مرقوم فرموده اند مطابق ۱۳۲۱ قطعاً سه برابر بدهند آیا بر عرض حضورتان رسیده است که همان میزانی هم که در ۱۳۲۱ پرداخته اند چه جور بوده یا نرسیده است؟ مالیات بر درآمد از روز اولی که برقرار شد این توافق درش بوده منتها این توافق بین ممیز و مؤدی واقع میشد پس اگر ممیز شخص نا درستی بود (چون میزان مالیات بر درآمد چیز مسلمی نیست که بمعکبه برود و رسیدگی کنند و دفاتر را بخواهند و از روی دفاتر رأی بدهند) وقتی که مالیات بر درآمد را از روی فرائین و امارات معین کند تمام اقدامات وزارت دارائی برای وصول يك مالیات از مؤدی همینطور پائین میرود تا برسد بيك ممیز غیر از شرکتهای که بایستی بیان بدهند - اشخاص مختلف بموجب تشخیص يك ممیز وزارت دارائی باید مالیات بدهند (سامان - همین غلط است) اگر غلط بوده است پیشنهاد باید بفرمایند که طبق پیشنهاد شما مالیات گرفته شود، آیا غلط بوده است یا صحیح بنویس این که مالیات گرفته شود نیست این مملکت را اداره کرد، اساس مالیات بر درآمد در ظرف سنوات متوالی از روز اول ایجادش اینطور بوده است، غیر از آن دوره که بطور مقطعه میدادند میگفتند تاجر سه درجه یا طبیب بچند درجه، يك مبلغ مقطوعی میدادند اساس تشخیص مالیات بر درآمد عبارت بود از تشخیصی که ممیز وزارت دارائی نسبت بمؤدی میکرد (صحیح است)

حالا یا عزیز درست است یا ممیز خاطلی است ، قاصر است ، مقصر است ، نپیدائتم ، اگر درست باشد البتہ درست تشخیص میدهد و کار هم درست میشود ، اگر نا درست باشد آن ممیز مؤدی میگوید چقدر میخواهی مالیات بدهی؟ بر فرض که باید صد هزار تومان مالیات بدهد میگوید من دلم میخواهد پنجاهار تومان بدهم ، یا صد تومان بدهم ، میگوید بسیار خوب شما اینقدر بمن بدهید آنوقت نوری اظهار نامه که میدهد مینویسید من ۳۵۰ تومان باید مالیات بدهم منہم البتہ مینویسم آقا بیغود میگوید هفتصد و پنجاه تومان باید بدهد بالاخرہ این شخص اظهار نامه را باین صورت میدهد او هم باین صورت تشخیص میدهد وزارت دارائی هم نمیتواند بگوید کم یا زیاد تشخیص داده . این يك توافق است بین يك عضو كوچك وزارت دارائی با يك مؤدی (تهرانچی - در ۱۳۲۱ درست ترازحالا بود) در ۲۰ و ۱۹ و ۱۸ هه اش این عمل جاری بوده (تهرانچی - حالا هم جاری است) اجازه بفرمائید آقا باید افکار مختلف را با هم تلفیق داد و با يك وحدت نظری امروز بگذرد و مسائلی که بنظر آقایان میرسد باید گفته شود و تمام حلاجی بشود آنطوریکه اکثریت آقایان رأی دادند اجرا میشود همین دو دقیقه قبل بود که آقای دکتر شفق پیشنهاد کردند نسبت بآن اصولی هم که این لایحه برقرار کرده است يك شدت بیشتری باید بشود بکسانی که استفاده های سرشازی کرده اند الان حضور آقایان مطرح بود پس این طرف قضیه را هم باید دید و آنطرف قضیه را هم باید تشخیص داد دو طرف قضیه را باید دید و طوری با هم وفق داد که نه سیخ بسوزد و نه کباب . حالا عرض میکنم . تصور فرمائید این لایحه يك چیز تازه ای آورده است این لایحه يك چیز تازه نیست این اصل مطلب ممیزی است که ملاک کار وزارت دارائی در ظرف سنوات متسادی بوده اما همان قانون مالیات بر درآمد پیشنهادی دکتر میلیسور علاوه بر آن توافق بین مؤدی و ممیز يك توافق دیگری بین اداره دارائی و مؤدی هم داشت یعنی وقتی که وزارت دارائی يك تشخیصی داده بود که مؤدی قبول نداشت آنوقت ترتیبی میداد که توافق میکرد و بيك مبلغی با اصطلاح میبرید و بعد می فرستادند یکمیسیون تشخیص بعد آن کمیسیون تشخیص هم یا تأیید می کرد یا نظر مخالف میداد که عاده نظر مخالف هیچوقت کمتر از مبلغ پرداختی نبود ، یا همان مبلغ پرداختی را تأیید می کرد یا يك مبلغی اضافه میکرد بنابراین در لایحه تقدیمی دولت که مینایش این توافق بود خواستم عرض کنم که چیز من در آوردی نبود که وزارت دارائی در آورده باشد همین توافق سنواتی قبل از قانون پیشنهادی دکتر میلیسور بود و اینجا عیناً گنجانیدیم با این تفاوت که سابقاً توافق میشد همانطور که عرض کردم بین مؤدی و وزارت دارائی در دارائی بعد این را می فرستادند به کمیسیون حالا اینجا می گوید که این توافق را باید در حضور کمیسیون بکنند اگر آقایان تصدیق میفرمائید که آن ترتیب قدیم بهتر است بنده عرضی ندارم اما راجع بیزارش عرض کنم در کمیسیون قوانین دارائی بقدری در ظرف جلسات مسته و متوالی در این باب بحث کردند که بنظرشان اینطور رسید که خوبست يك ارفاقی را قائل بشویم برای اینکه هم از تعداد مؤدیان (که مسکن است موضوعشان مورد اختلاف نظر قرار بگیرد) کاسته بشود یعنی همان طوری که حضرت عالی پیشنهاد فرموده بودید با يك مبلغ مقطوعی بشود برسد يك مقدار زیادی از مردم اشخاصی که مالیاتشان از هر دو هزار تومان تجاوز نمیکند که دعواشان قطع میشود ...

دکتر مصدق - برای همه قطع میشود .

وزیر دارائی - اگر نظر مجلس شورای ملی این باشد بنده عرضی ندارم میخواستم

عرض کنم این مگر حضرتعالی اصولاً مورد توجه کمیسیون بوده است و بنده هم که موافقت کردم حالا اگر آن میزان بیست هزار ریال و ده هزار ریال را باید بردارند و موافقت بفرمایند بردارند چیز مهمی نیست منتهی قسمت دیگرش را هم رعایت بفرمائید که مگویند در ظرف این دو سال ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ يك اشخاصی عواید سرشاری برده و حالا میخواهند همان مالیات گذشته را بدهند (صحیح است) البته اگر يك اشخاص خرده پائی باشند که منافع سرشاری برده باشند این مسأله ندارد مزاحمت ندارد، مزاحمت نکند برای این که خرده باشند ...

دکتر همدقی - مافوقش را معاف نکردیم این گمش اهمیت ندارد از پنجهزار ریال بیلا را معاف نکردیم.

وزیر دارائی - اما راجع بکار کمیسیون ها آن ماده ای که ملاحظه میفرمائید آن ماده دیگر مربوط است به اختیارات وزارت دارائی یا قائم مقام او آن اصلاً در لایحه دولت نبود.

و آن مطلبی که فرمودید يك کسی راجع بانزده میلیون تومان گفت است بنفیده بنده اینطور از مفهوم فرمایشاتان نفیدم یعنی اگر کسی دیگری غیر از بنده باشد و مقصودشان این نبوده است که بنده این عمل را بکنم (صحیح است) عرضم این است که در این قسمت اصلاً دولت نظر نداشت و نگذاشته بود ولیکن بنا بر آن نظری که آقای دکتر شفق هم يك ترتیب دیگری پیشنهاد فرمودند نظر آقایان این بود که سوء استفاده نشود اما يك نکته دیگری که تسا دارم آقایان توجه بفرمائید (البته هر تصمیمی که گرفته شود مضاع است) این مالیات فنی در آبان ۳۲۲ تصویب شده گفته شد که از اول ۳۲۳ لازم الاجراء است یعنی از اول ۱۳۲۳ هر کسیکه بموجب این قانون خودش را مؤدی میدانست در نظر هم داشت که بآن نرخهایی که بنظر گزاف رسیده مالیات بدهد یعنی همان صدی هشتاد مبلغ عالی و هم مبالغ دیگرش و همینطور پائین نریک مبالغ پائین نری بدهد خلاصه در معامله و در خرید و فروش نظر داشته است که چقدر مالیات ازش خواهند گرفت حالا بنظر کمیسیون و دولت اینطور بعد از یکسال، بعد از دو سال با توجه باینکه میدانستند اینقدر باید مالیات بدهند حالا ما بیاییم و برایشان تخفیف قائل شویم یعنی بگوئیم با اینکه نظر داشتند هر طور بختشان بریده است استفاده کرده، اید حالا بیاییم بگوئیم دوبرابر مالیات گذشته ۱۳۲۳ یا سه برابر این مالیات ۲۶ بدهید بنظر بنده اشکار شاید غیر عادلانه باشد که دولت قبلاً بگوید آقا من يك همچو مالیاتی که نرخش هم بنظر گزاف میباشد خواهم گرفت و آنها هم بهمان حدود و بهمان میزان عمل بکنند بعد دولت بیاید بگوید نه این میزان هیچ این را عمل کنید و حالا هر مورد که نظر مجلس است عمل شود (تهرانچس - در این لایحه تقریباً همان را گفته اند) (حادثی - آقا وتوی وزیر را هم بفرمائید) و اما يك نکته دیگری هم هست که آقای تهرانچی فرمودند که دولت در این لایحه تشویق رشوه را کرده است خوب پس حقوقی را هم که بیند لطف میکنید رشوه است، چیزی را که مجلس شورای ملی تصویب بکند رشوه نمیشود (پوررضا - خوب با جعاف است) اجازه بفرمائید اساس این لایحه آقا توافق است، توافق یعنی آن طرف، یعنی مؤدی با وزارت دارائی توافق بکنند منها در حضور يك کمیسیون سه نفری (پوررضا - آن کمیسیون سه نفری هم همینطور) اجازه بفرمائید این قانون که فعلاً مجری است البته باعتبار خودش باقیست در خود ماده واحده قید شده است که توافق فقط در ظرف ۱۵ روز از روزی که در کمیسیون مطرح میشود امکان دارد یعنی اگر

توافق نکردند بایستی کمیسیون مطابق مقررات قانون رأی بدهد این يك مطلب و بنا بر این اگر بخواهند بمودی زور بگویند مودی رضایت ندهد بجهت اینکه رضایت دو طرفی نیست و مودی رضایت نخواهد داد اگر چنانچه رضایت داد صلاح خودش را در این دیده است که هر چه زود تر باید بدهد و تصفیه کند و اما راجع بآن دو درصدی که فرمودید آن دو درصد انحصاراً بتناسب وجهی که بر اساس توافق قرار بشود که بدولت بدهند و آن وجه هم تا آخر اسفند بخرانه دولت برسد داده میشود این برای این است که آقایان اولاً نمیتوانند و این کمیسیون حق نخواهد داشت الی الابد طول بدهد این کار را پانزده روز بیشتر مهلت نگذاشته ایم و آن توهمی که برای آقای دکتر مصدق حاصل شده است موضوع ندارد که بگویند ما اینقدر کار را طول میدهیم تا شاید ناچار شوند بیایند بول بدهند یا بهشان اجحاف بشود هیچکدام از اینها مقدر نیست در ظرف ۱۵ روز مودی خواهد دید اگر توافق که میخواهد قبول بکند بصلاح و صرفه اش نیست نه کمیسیون میتواند او را مجبور بکنند و نه اگر بگوئیم که بعد ها بیایند رأی بدهند در کمیسیون از آن رأی چیزی عاید کمیسیون میشود (تهرانچی - ولی در کم کردن و توافق لازم است کمیسیون کمک بکند که صدی دورا بگیرد) این مبنائی که این جا گذاشته شده است اگر از نظر دولت بفرمائید کمیسیون کم میکند بنده این توضیح را عرض میکنم خدمتان (تهرانچی - همین که زود تر توافق بدهد که صدی دو را بگیرد رشوه است) رشوه نیست این مطلب اینجا است وقتی که قید شده است نسبت بکسانی که از دست هزار ریال از املاک مزوعی و ده هزار ریال سایر انواع در آمد بیشتر نباشد دو برابر و سه برابر دولت خواهد گرفت اقل مابقی این است که کمیسیون دیگر مطلقاً از این مقدار نمیتواند کمتر بکند همین مطلبی که آقای دکتر مصدق میفرمایند میخواهند بگذرد این دولایحه دولت تامین است و حالاهم همان طور که عرض کردم وزارت دارائی و قائم مقام آن از طرف دولت پیشنهاد نشده بود و از طرف کمیسیون بود و حالاهم اگر آقایان موافقت ندارند حذف شود.

بعضی از نمایندگان - رأی .

در باره :

لغو جیره بندی قماش و انحصار خرید و فروش

قماشهای نخی

در جلسه یازدهم دیماه ۱۳۲۴ نماینده اول تهران مخالفت خود را با کابینه حکیمی بیان نمود و در مقدمه این نطق از عملیات آقای هژیر وزیر دارائی نسبت بلغو جیره بندی قماش انتقاد کرد و با دلایل منطقی ثابت نمود که این اقدام موجب زیان دولت و مردم است^(۱) که عین نطق از مذاکرات مجلس شماره ۲۶۰ صفحه ۶۹۰ نقل میشود :

۱- در بیست و سوم آبانماه ۱۳۲۴ نماینده اول تهران نامه ای بآقای حکیمی نوشته که عین آن از شماره ۸۱۳ روزنامه کیهان مورخ ۲۴ آبانماه نقل میشود :
 بیه باورقی در ذیل صفحه بعد

دکتر مصدق - با دولت آقای حکیمی من از نظر اقتصاد و سیاست هر دو مخالفم از نظر اقتصاد راجع بقماش. هر گاه نفوس ایران را ۱۲ میلیون و برای هر یک نفر در سال ۱۰ متر قماش حساب کنیم ۱۲۰ میلیون متر قماش باید بیت مصرف کنندگان تقسیم شود ولی طبق اظهارات نمایندگان کمیته خاور میانه که موقع برچیدگی نمایندگی در ایران نموده اند بواسطه احتیاج اروپای شرقی بقماش تا مدتی همان ۳۰ میلیون متری که در زمان جنگ بایران تخصیص داده شده بیشتر وارد نمیشود. محصول داخلی را هم که در حدود ۱۰ میلیون متر میشود بآن اضافه کنیم بهر بخت از مصرف کنندگان بیش از چهار متر قماش در سال نرسد

بقیه پاروقی از ذیل صفحه قبل

جناب آقای نخست وزیر!

اخیراً هیئت وزیران تصویب نامه ای دایر بالفای انحصار خرید و فروش پارچه های نخی صادر نموده که بنظر این جانب محتاج باصلاح است و چون ناچارم که برای استراحت چند روز از شهر خارج شوم نظریات خود را بدین وسیله باطلاع جناب عالی میرسانم تا اگر مقتضی دانند اصلاحی که لازم است در آن بعمل آورند.

قبل از جنگ احتیاج سالیانه اهالی ایران پارچه های نخی در حدود یکصد و بیست میلیون متر بوده و در موقع جنگ سهمیه وارداتی که از طرف کمیته خاور میانه برای ایران تعیین گردیده در حدود ۳۰ میلیون متر بوده است که اگر آنرا با ۱۰ میلیون متر محصول داخلی بطور تساوی بین ۱۰ میلیون متر حد اقل جمعیت ایران تقسیم کنیم بهر نفر چهار متر در سال بیشتر نرسد و چنانچه میزان قماش که در آتی وارد کشور خواهد شد با میزان مورد احتیاج اهالی کشور برابری میکند جای نگرانی باقی نماند و وارد کنندگان نمی توانستند استفاده هنگفتی بشایندولی متأسفانه بر طبق مذاکراتیکه نمایندگان کمیته تدارکات خاور میانه در موقع برچیدگی نمایندگی در ایران نموده اند قماش که بایران وارد خواهد شد تا مدتی بواسطه احتیاج اروپای شرقی بیش از ۳۰ میلیون متر در سال نخواهد بود. بنا براین با هر گونه بی نظمی و اختلال که در امور بخشی دولتی موجود بود لا اقل نصف از قماش وارد یا قیمت ارزان بین اهالی مستحق کشور توزیع میشد و قسمت دیگر آن در در بازار آزاد داد و ستد میگردد ولی اکنون که خرید و فروش قماش را دولت بدون هیچ شرطی آزاد و جیره بندی آنرا ملغی نموده است آن مقدار قماش هم که بقیمت ارزان به مردم داده میشد وارد کنندگان که عده آنها خیلی محدود و غالباً هم بازرگانان خارجی هستند بقیمت گران مردم فروخته و استفاده معنایی نخواهند نمود زیرا هر متر پارچه با در نظر گرفتن ۴۵٪ حق انحصار مصوب هیئت وزیران و مختصر عوارض گمرکی بین دوازده تا چهارده ریال وارد کشور میشود و چنانچه وارد کنندگان بتوانند با قیمت فعلی بازار آزاد با قماش که بقیمت مزبور وارد میکنند بفروشند بیش از یک میلیارد و نیم ریال مردم خسارت وارد خواهد شد.

بنا بر این مقتضی است در مفاد تصویب نامه صادر تجدید نظر نموده و ترتیبی فرماید که وارد کنندگان و فروشندگان قماش تابع مقرراتی باشند که نتوانند این کالا را که از احتیاجات اولیه و ضروری این کشور است بیش از نرخ که دولت بر اساس قیمت تمام شده و سود عادلانه تعیین میکند بفروش برسانند و از این راه خساراتی متوجه اهالی کشور نگردد.

و چون تولید با مصرف برابر می‌کند مجال است که باین زودبها قیمت قماش تنزل کند و بقیمتی که از مالک صادر کننده وارد می‌شود با اضافه حق العمل تجارتمی در این ملکیت معامله شود. قریب ۵۰ نفر از بازرگانان چندین میلیون متر سهمیه دولت را از امریکا و انگلستان طبق قراردادی که با دولت بسته بودند بیبایست خریداری و وارد کردند و تحویل دولت بدهند قسمتی از این اجناس وارد بصره و خرمشهر شده و قسمتی هم در دست حمل بود که برای خالی کردن جیب مردم این طور نقشه کشیدند قماش را که قیمت متوسط آن متری ۶ ریال بود بدولت تحویل بدهند و خودشان بقیمت های گزاف معامله کنند برای ییشرفت مقصود در بعضی جراید شروع بتبلیغات نموده باین عنوان که دولت آنرا بقیمت گزاف معامله میکند و هر متری ۳۴ ریال میفروشد و مقالاتی منتشر و تقاضای لغو جیره بندی قماش را نمودند آقای هزیر هم با آنها هم آهنگ شده از هیئت وزیران تصویب نامه ای گرفتارندند که بازرگانان صد درصد قیمت سیف و ۴۵ درصد برای عوارض بدولت بدهند و قماش را بطور آزاد معامله نمایند.

ضرر دولت - حال به بینیم که از انجای جیره بندی چه مبلغ دولت متضرر میشود ؟ هر یک متر قماش بطور متوسط برای دولت ۷ ریال تمام میشود که ۶ ریال از بابت قیمت و یک ریال هم از بابت حق العمل ب وارد کننده میداد و آنرا ۳۴ ریال معامله میکرد و ۲۲ ریال فایده میبرد بوجوب تصوینامه فوق الذکر چنین مقرر است دولت ۶ ریال که معادل صدی صد قیمت وارد شده است از بابت حق انحصار و ۳ ریال هم برای سایر عوارض اخذ کند و بازرگانان خودشان قماش را در بازار آزاد معامله نمایند پس نتیجه این است که ۹ ریال عایدی فعلی دولت را که از ۲۷ ریال عایدی سابق کسر کنیم ضرر دولت در هر متر ۱۸ ریال میشود. دولت از انحصار قند و جای و قماش بعد از وضع متعارج انحصار و ۱۰ میلیون ضرر ناواری در سال ۴۰ میلیون عایدی داشت که بر طبق این تصوینامه از بابت قماش مبلغ هنگفتی کم و ضرر دولت میشود.

ضرر مردم و قحط بازرگانان - هر گاه دولت ضرر میکرد و از کیسه مردم خارج نمیشد من امروز اعتراض نمی نمودم متأسفانه مردم دو برابر آنچه بدولت میرسید میدهند ولی عاید بازرگانان میشود باین طریق که یک متر قماش برای آنها بعد متوسط شش ریال وارد میشود شش ریال هم که بدولت از بابت حق انحصار بدهند با عوارض دولتی بین ۱۵ و ۱۸ ریال تمام میشود و اکنون قریب یک میلیون متر قماش از امریکا وارد شده و قیمت بازار بواسطه اینکه تقاضا بیش از عرضه است تنزل نموده است چنانچه حد اقل بازار آزاد را چهل واحد اکثر آنرا شصت ریال حساب کنیم بعد از وضع ۱۸ ریال قیمت تمام شده هر متری سی و دو ریال بعد متوسط عاید بازرگانان میشود و تعجب در این است اگر آقای هزیر وزیر دارائی با جیره بندی موافق نبود چطور راضی شدند که چنین پولی از کیسه مردم خارج شود ولی عاید دولت نشود ، آیا ممکن نبود همانطور که دولت قماش موجودی را حراج میکند قماشهایی هم که بعد وارد میشود حراج کند و هر چه مردم میدهند عاید خود دولت شود ؟

اگر انجای کوبین از اینجهت بود که جیره بندی خوب اداره نمیشد و مقداری از قماش در بازار آزاد بفروش میرسید با صدور تصوینامه اخیر تمام ملکیت از کوبین و قماش ارزان محروم شده است !! ...

چنانچه علت الغای کوبین این بود که دولت قماش را گران میفروخت چه شد که در حراج اول همان میزان معامله سابق دولت را قرار میدهند تا قیمت را زیاد کنند و هر کس که آخرین قیمت را پیشنهاد نمود با او معامله کنند.

بعیده من این آهوگردانها برای این است که مردم وجهی بنهند و هیئت حاکیه از آن استفاده کند چنانچه مقصود غیر از این است اکنون بیش از یک میلیون قماش وارد نشده خوب است که بازرگانان بهمین مبلغی که فایده برده اند قناعت کنند و از این بعد وجهی که مردم می دهند عاید دولت شود - معروف است که عده زیادی از عاملین فروش که از کار بیکار شده با آقای هژیر مراجعه کرده اند ایشان وعده داده اند برای آنها کار دیگری تهیه کنند !!....

راجع بقند و شکر - موضوع دیگر این است که یکهزار و دوپست تن شکر وارد بندر جنوب شده و با اینکه کمیته خاور میانه اطلاع داده است که از بابت سهمیه دولت ایران حساب میشود بجای اینکه دولت آنرا بخرد و بین صاحبان کوبین تقسیم کند آقای هژیر اجازه دادند که وارد کنندگان جنس را از گمرک خارج و در بازار آزاد معامله و میلیونها از این بابت استفاده کنند، چقدر فرق است اگر دولت شکر را می خرند و مردم یکمن ۶ تومان میفروخت تا اینکه مردم آنرا از بازار آزاد متجاوز از بیست تومان بخرند و در همین یک معامله مردم متجاوز از هفت میلیون تومان متضرر و وارد کنندگان منفع شده اند.

راجع سیاست هم میخواهم عرض کنم برای این دولت در مذاکرات بسته شده بود ولی با این انتظاری که نسبت بنمایندگان ایران در سازمان ملل متفق نمود من تصور میکنم در این سازمان هم بروی این نمایندگان بسته شود (صحیح است) بدلیل اینکه این نمایندگان نمیتوانند بنمایندگان دول بزرگ که در آنجا هستند وارد مذاکره بشوند البته در این مسئله من بیش از این عرضی نمیکنم بنده یک رأی در این مجلس دارم ولی مسئولیت را باید اکثریت مجلس شورای ملی بگردن بگیرد (صحیح است)

در جلسه ۱۹ دیماه ۱۳۲۴

در جلسه ۱۹ دیماه ۱۳۲۴ نیز راجع بلغو انحصار قماش که تجار خودی و بیگانه از اینکار بر ضرر مردم سود بسیاری بردند و همچنین راجع بمقدار قندی که بعضی از تجار داخلی وارد کرده و دولت اجازه داد برخلاف مقررات جیره بندی، خود آنها در بازار آزاد بفروشد دکتر مصدق اظهاراتی نمود که از شماره ۲۶۷ مذاکرات مجلس صفحه ۹۸۹ و ۹۹۰ نقل میشود:

دکتر مصدق - آقای وزیر دارومی یک بیاناتی فرمودند، راجع بسانحصار البته اصولاً من بسا هر انحصاری مخالف هستم باید انحصارها بطور کلی لغو بشوند (صحیح است) و مردم بتوانند جنس آزاد خریداری و استفاده کنند مثل اینکه انحصار دارو امروز لغو شده و بواسطه اینکه دارو میشود از همه جا وارد کرد و هیچ حسد و حسری ندارد و سهمیه نیست یقین دارم تا یکماه دیگر یا تا یک چندی بیشتر قیمت دارو فوق العاده تنزل خواهد کرد (اردلان - نگاه دارومی را هم باید منحل کنند) البته نگاه دارومی هم اگر وظیفه ای غیر از اینکه نظارت در ادویه مخدوره بکند ندارد منحل شود چون آقای وزیر دارائی

فرمودند که بنگاه دارولی برای خود دولت دارو وارد میکند باین جهت ما احتیاج ببنگاه دارولی داریم اگر اینطور است باید بودجه بنگاه دارولی را بیاورند ببنگاس که بینیم بودجه بنگاه دارولی چیست ، نتیجه اش چیست ، وظیفه اش چیست ، يك قسمت ازادوبه هست که اگر بنگاه دارولی بخواهد وارد کند برای اینکه نمایندگان کارخانه های سازنده هوا در تهران هست آنها خودشان نمیتوانند وارد بکنند (صحیح است) بنگاه دارولی وقتیکه بآنها مراجعه میکند آنها میگویند در تهران نماینده ما مراجعه کنید پس بنابراین دريك قسمت ازاین دواها که اسپیالت است و نمایندگان مخصوصی در تهران دارد فرمایشات آقای وزیربهداری مورد ندارد ودرقسمت دیگرش هم من نمیتوانم تا چه اندازه مؤثر است (صحیح است) (مهندس فریور- پس باید بنگاه کافه سازی هم درست- بکنند برای اینکه کافه هم برای دولت لازم است)؛ اگر ایشان دلیلی دارند که بنگاه دارولی باید باشد بودجه اش را باید بیاورند تا بینیم که این بودجه واقعا چقدر است و مناسب دارد یا نه... ایشان میفرمایند که من دوا را چون از دست خود میخرم و از کسی نمیخرم و دست دومی در کار نیاید فایده میبرم ولی ممکن است که این بودجه چند برابر آن منفعت بشود ، پس این بودجه را هرچه قطع بکنیم بصلاح مملکت است (صحیح است) و تا بودجه را مجلس تصویب نکند بنگاه دارولی هیچ رسمیت ندارد (صحیح است) باید رسمیت پیدا کند . راجع بانحصارات دیگر غیر از داروالبته اینها باید بتدریج لغو شود ، مثلا قند ، قند که پنجاه و دو هزار تن قند ما از خارج وارد میکنیم بیست هزار تن هم محصول مملکت است میشود هفتاد و دو هزار تن ، فرض کنیم که مصرف مملکت صد هزار تن باشد بیست و هشت هزار تن کسر داریم این بیست و هشت هزار تن را هم ممکن است که با مردم کمتر بخورند يك قسمت هم از جاهای دیگر وارد مملکت بشود که بالاخره مصرف مملکت را تأمین میکند ، قند خیلی طرف توجه نیست چیزی که بیشتر طرف توجه است همان قماش است که انحصار آنرا لغو کردند ، برای آن که قماش را که ایشان لغو کردند سی میلیون متر از خارج وارد میشود و ده میلیون متر هم مادر داخله داریم جمعا چهل میلیون متر ، مصرف سالانه ما صد و بیست میلیون متر است بنا بر این يك ثلث مصرف قماش را ما داریم و دولت قماش را کسر داریم . اگر قماش تهیه اش آزاد بود و میتوانستند بجا وارد کنند لغو فوری انحصار قماش برای ایران نافع بود ولی نظر باینکه کمیته تعارکات خاور میانه گفته است که بواسطه احتیاجی که دول مرکزی قماش دارند نامدنی غیر از سهمیه دولت ایران نمیتواند وارد کنند این است که این قماش که الان انحصارش لغو شده بنده تصور نمیکنم که خیلی مفید باشد حالا کاری باینکار ندارم و از نظر مسائل علمی عرض میکنم اگر ما بتوانیم مصرف را معادل محصول بکنیم قیمت ترقی نیسکرد ولی چون مصرف صدها است و محصول چهل است این قماش تأمین حوائج تمام مردم را نمیکند و قیمت ترقی میکند و از قماش همان طبقات بالا استفاده میکنند و طبقات آخر نمیتوانند استفاده کنند و نسبت باین مسئله جیره بندی بنده عرض میکنم که با تمام این معایب که میفرمایید که شتر با بارش و کشتی با تمام چیزهایش فرق میشود این راهم باید تصدیق کرد که اگر همین جیره بندی نبود امروز مصرف مستخدمین دولت همین عنده ای که در شهر هستند و از طریق جیره بندی قند و شکر و قماش میگیرند آنها هم مجبور بودند با قیمت زیاد تری مصرف خود را از بازار آزاد تهیه کنند و بهمان قیمت بازار آزاد خریداری کنند اما حالا باز يك قسمتی نصفش باد و تلش هرچه را حساب کنید باز همین نصف یا دو ثلث از طریق جیره بندی مصرفشان توزیع میشود و نصف بثلث دیگر را فقط در بازار آزاد باید تهیه کنند و اختصاصی که اختلاس میکنند از این تعداد استفاده میکنند . اما راجع باین قندی که وارد شده هزار و دو بیست تن قند بیش از یک سال است وارد شده مطابق تلگرافاتی که

به بنده شده و شکایتی که کرده اند بکسال است حالا بیشتر بوده بانی بوده چه عرض کنم يك عده شکایت کرده آند که هزار و دویست تن قند و شکر وارد سرحد کرده اند و دولت اجازه نمیدهد که این جنس را وارد بازار آزاد کنند و معامله کنند، اول باید برسند در مملکتی که انحصار تجارت خارجی هست و هیچکس بدون اجازه دولت حق ندارد جنس را وارد کند. وارد کننده بچه دلیل جنس وارد کرده است اگر وارد کننده از دولت اجازه داشت که دیگر این اشکالات در کار نبود و دولت این جنس را آزاد میگذاشت پس آنهایی که جنس را وارد میکنند این فکر را میکنند که اگر دولت این جنس را گرفت همان بولی را که بدبگران بابت قیمت این جنس داده اند از دولت خواهند گرفت آنوقت بطور میشود که دولت قند را کیلویی چهار ریال تمام میکند و يك وارد کننده همان قند را میگوید کیلویی چهار تومان تمام کرده ام دولت میبایستی بآنها گفته باشد آقایان شما بچه دلیل و بچه اجازه وارد کرده اید حالا که وارد میکنید و کسب تدارکات خاورمیانه هم این قسمت را از بابت سهم ایران حساب میکند باید این جنس را بهین قیمت بدولت ایران بفروشید، مسائل آقا خیلی صاف و ساده است اینجا هزار و دویست تن یا چهار هزار خروار قند است اول بچه علت هر کیلویی چهار تومان میخرید قند قیمتش در همه جا معلوم است شما خودتان قند را کیلویی چهار ریال و نیم خریده اید آنوقت کسی دیگر میآید میخرد چهار تومان، کسی دیگر میخرد پنج تومان، کسی دیگر میخرد شش تومان همچو چیزی نمیشود باید دهنده قند را از کجا خریده اند میدانش کجا است تمام تجاری که قند وارد کرده اند قیمت میدهند را میداند تمام معنی هیچکس نمیتواند يك دولتی را باشباه در روی قیمت قند از يك میدانی بیندازد اینجا چه چیز است؟ فرمایند آنان سفطه صرف است برای اینکه يك کسی قند از يك جایی وارد میکند وقتی که معلوم شد که قیمت قند در آنجا چند است که معلوم است قند کیلویی چهار ریال وارد میشود آن کسی که اجازه میدهد چهار هزار خروار قند وارد این شهر بشود و بعد اقل که من امروز تأمین میکنم سه میلیون و پانصد هزار تومان (من باین دولت تضمین میدهم) این تجار استفاده میکنند، بخرانه مملکت ضرر زده است استدعا میکنم آقا این فرمایشات را در يك جایی بفرمائید که اصلاً هیچ منطق وجود نداشته باشد. ولتهای قبل از شما هم بودند ولی آن ولتها جرئت نکردند بهیچوجه من الوجوه این کار را بکنند و این دولت بواسطه اینکه مردم يك تصوراتی درباره اش میکنند این کار را کرد و سه میلیون و پانصد هزار تومان بخرانه مملکت ضرر زد. آقا شما بطور ملاحظه چهار ناتاجر قند فروش را که باشما دوست هستند و در اطاق تجارت نشسته اند میکنند و يك قندی را که سه میلیون و پانصد هزار تومان ارزش میشود برای دولت استفاده کرد آزاد میکنند؟ آقا يك قندی را که شما بتوانید بدهید به جیره بندی که کیلویی نوزده قران بفروشد آنوقت در تحت این بهانه ها که بلی گفتیم قند را از آنجا بیآورند و در تحت نظر اطاق تجارت بفروشند و بقیمت عادی میفروشند این قند را آزاد میکنند؟ آقا این حرفها را چرا اینجا میزنید؟ مگر از رنگباری همیشه اینجا آمده ام که شما میخواهید ما را اغفال کنید؟ آقا شما فرمودید همین اطاق تجارت متعهد شد، اعلان کرد که قندی را که از شوروی همین قند فروشهای محسوس خریدند قرار شد کیلویی چهل و نه ریال بفروشند و خودشان هم حاضر شدند که موجودی خودشان را اعلام کنند چطور شد که نه موجودی را اعلام کردند و نه کیلویی پنج تومان و دو قران که قرار بود چهار تومان و نه قران که میخرید سه قران هم برای خودشان منظور کنند فروختند؟ ولی دیدیم بهیچوجه نه قند را باین قیمت فروختند و نه موجودی خودشان اعلام کردند چنانچه عالی بچه عنوان بچه اطمینان این قند را آزاد کرده اید و در تحت نظارت اطاق تجارت گذارده اید که در تحت نظارت اطاق تجارت خند را بقیمت عادی بفروشند، این قیمت

عادی را من نفهمیدم چیست؟ همه مردم قند میفروشند البته هر کس هم که قند میخرد هر جا که ارزاتر بفروشند از آنجا تهیه میکنند اگر قیمت عادی این است که ارزاتر بفروشند هیچکس حاضر نیست حرف اطلاق تجارت را قبول کند و قند را ارزاتر بفروشند. پس بنابراین این بنده استدعا میکنیم که جنابعالی توجه فرمائید که این یک میلیون و دویست هزار کیلو قند و شکری را که این مردم وارد کرده اند شما یک خدمتی بآن اشخاصی که ثروت روی ثروت میریزند کرده اید یکمده قند فروش رفته اند و قند را کیلویی چهار ریال و پنج ریال خریداری نموده اند و هیچ اجازه هم نداشتند جنابعالی بآنها یک خدمت خیلی بزرگی کرده اید و بنظر خودم که حساب کردم امروز حاضرند سه میلیون و پانصد هزار تومان باین دولت بدهند تا قند را بدست آنها بدهید. شما سه میلیون و پانصد هزار تومان باین اشخاص خدمت کرده اید.

نامه اطلاق بازار گانی تهران

دکتر مصدق

اطلاق بازار گانی تهران روی مواضعه و تبانی با آقای هزبر جوابی با اعتراضات دکتر مصدق داد و ایشان هم پاسخی در جراید منتشر نمودند که در پایین از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت و پس از اجرا لغو جیره بندی قماش بخوبی معلوم شد که پیش گوئیهای دکتر مصدق صحیح بوده و لغو جیره بندی قماش بضرر دولت و زبان مردم تمام شده و غیر از تجار نفع پرست بیگانه و محسکرین داخلی کسی از این عمل وزیر دارایی منفعت نبرده است اکنون نامه اطلاق بازار گانی تهران از شماره ۲۲۶۶ روزنامه ستاره مورخ هفتم بهمن ۱۳۲۴ نقل میشود:

شماره ۲۰۸۸ مورخ ۲۹/۱۱/۲۹

آقای دکتر مصدق!

نامه مورخ ۲۷ دیماه ۱۳۲۴ جنابعالی که در پاسخ نامه این اطلاق مرقوم و در همان روز برای درج بروزنامه اطلاعات فرستاده بودند و اصل گردید. در نامه مزبور نکاتی را اشاره فرموده اند که ناگزیر جهت روشن نمودن افکار عامه و انسحضار جنابعالی به بیان توضیحات زیر مبادرت مینماید.

اینکه مرقوم فرموده اند دولت در پاره ای از تصمیمات خود با اطلاق بازار گانی مشورت و مذاکره نموده و خواسته اند این موضوع را از منبرجات مجله اطلاق بازار گانی و روزنامه ها اتخاذ شده فرمایند یاد آور میشود که اصولاً اطلاقهای بازار گانی طبق ماده ۱۹ و ۲۰ قانون مورخ ۲ تیرماه ۱۳۲۱ موظفند با دولت در پیشرفت اقدامات اقتصادی اشتراک مساعی نمایند و دولت نیز برای اتخاذ تصمیمات بازار گانی و اقتصادی بایستی نظر اطلاق را استفسار و با آن مؤسسه مشورت نموده و همواره در تماس باشد و اگر وزیر دارایی وقت برای بهبود وضع بازار گانی و اقتصادی کشور باین اطلاق مشورت کرده بوظیفه قانونی خود عمل نموده است و بایستی متذکر بود که دلیل عمده انحطاط اقتصادیات در این چند سال اخیر معلول این ملت بوده است که دولت ها در اتخاذ تصمیمات بازار گانی و اقتصادی خود با اطلاق بازار گانی

که مرجع صلاحیت‌دار قانونی و منطقی می‌باشد مراجعه نموده و بدون رعایت اوضاع و احوال از پیش خود و یا مشورت اشخاص بی سابقه و غیر وارد باخذ تصمیمات متناقض و مضر بحال مملکت و ملت می‌ادرت نموده‌اند و در نتیجه چنانکه خود جنابعالی نیز مستحضر می‌باشید چه نتایج سونی از این طرز عمل حاصل شده و چگونه مردم دچار فقر و تنگدستی گردیده‌اند و باعث کمال تعجب و تأسف است در این مورد که وزیر دارائی به وکیل قانونی خود عمل کرده و تا حدی نظر اطلاق بازرگانی را که بمنزله مشاور فنی دولت در امور بازرگانی و اقتصادی می‌باشد طرف توجه فرار داده و بتصدیق خود جنابعالی در مورد انحصار دارو و کاغذ و غیره موافق نظر جنابعالی رفتار کرده است در این مورد بشارت‌نامه ابراد کرده و مثل این است که مشورت با این اطلاق را يك نمایی یا يك عمل غیر قانونی تلقی فرموده‌اند و اگر وظایفی را دولت در تصویب نامه‌های اخیر بعهده اطلاق بازرگانی تهران معول نموده آنهم بر خلاف عقل و منطق و قانون نبوده و نظر جنابعالی را بشق ۷ ماده ۱۹ قانون اطلاقهای بازرگانی معطوف میدارد و چنانکه از نتیجه مداخله این اطلاق در تعیین نرخ قند و شکر آزاد بخوبی هویدا است همین مداخلات اطلاق بوده است که مانع از ترقی قیمت کالاهای مزبور شده به اضافه در حدود هزار تن شکری که بنا بود از گمرکات جنوب مرخص و تحت نظر این اطلاق بمصرف برسد چون مورد لزوم مردم نواحی جنوب کشور بود مقرر گردید که بانظر اطلاق‌های بازرگانی همان مناطق بانرخ عادلانه ای در دسترس مصرف کنندگان گذاشته شود لذا ملاحظه میفرمائید که اطلاق بازرگانی تهران ابدأ نظر خاصی در این امور نداشته و فقط باقیاء وظایف قانونی خود اقدام و با دولت همکاری کرده است.

موضوع اصلی ایرادات جنابعالی که در مجلس بنسبت تذکراتی داده آید در باره شکرهای موجود در گمرکات جنوب بوده و طبق مندرجات روزنامه رسمی کشور که نطق نمایندگان در آن منسوخ است جنابعالی عده‌ای از تجار اطلاق بازرگانی را ذبدخل معرفی فرمودید که ابدأ با حقیقت وفق نمیدهد و این اطلاق پاسخ لازم را که حاوی نام دارندگان شکر و مقدار موجودی در بنادر جنوب بوده جهت استحضار خاطر شریف تهیه و از لحاظ رعایت نزاکت و احرام مستقیماً نزد خودتان ارسال داشت تا از حقایق آگاه و مطلع شوید که دو مورد شکرهای مزبور هیچیک از اعضای این اطلاق ذینفع نبوده‌اند و انتظار میرفت که ائمه خود را در مجلس اصلاح و عامه را از تردد بیرون آرند لکن متأسفانه ملاحظه شد باین نکته توجه فرموده و پس از اضلاع و اطینان از اینکه کارمندان این اطلاق در معاملات مزبور ذبدخل نموده‌اند در نامه اخیر خود تغییر هتف داده و موضوع التئای انحصار قماش را مطرح فرموده و برخلاف رعایت اصول نامه‌ای را که میباید باین اطلاق ارسال دارید در جرایم منتشر کرده‌اید. نظر جنابعالی طبق قسمت اخیر نامه خود مبتنی بر آزادی تجارت و لغو انحصارات است لیکن فلا آزادی معاملات قند و قماش را نظر بر فاه حال جامعه مقتضی نمی‌دانید در حالی که اگر خاطر شریف باشد در زمانی که دولت خود متصدی ورود و توزیع سهمیه قماش بود و تجار ایرانی آزادی عمل نداشته‌اند دولت نه تنها نتوانست از سهمیه خود استفاده کند و مصرف عموم را طبق اصول جیره‌بندی بوضع مرتبی بدهد بلکه بالنتیجه باعث ترقی قماش قیتما گردیده و دست تجار ایرانی را از کار و فعالیت بست و بکعده افراد و مؤسسات خارجی را اجازه داد تا با اقتصادیات و سرمایه ملی این کشور هر چه بخواهند بکنند و جنابعالی در دوره نمایندگی خود در مجلس ابدأ باین نکته توجهی ننموده و بازخواستی ننکرده‌اید علاوه چنانکه مستحضر می‌باشید ملت کونامی پیش نیست که دولت از تصدیق دوام تجارت قماش منصرف شده البته تجارت آزاد است که وارد کنندگان را در امر ورود و سایر اجسی

تشریح خواهد نمود و چنانکه خود جنابعالی نیز اعتراف فرموده‌اید علت گرانی قیمت این- است که عرضه این گونه کالاها با تقاضای آن تطبیق نسیکنندولی برای نجات یافتن از وضع فوق آیا ادامه دخالت دولت و ترتیب غیرعادلانه بخش و توزیع که چندسال عوم اهالی با آن مواجه بوده‌اند بصلاح کشور است و بایستی از تمام معایبی که دستگاه بخش و توزیع داشته و سوء استفاده‌هایی که میشده و قماش ارزان بدست مردم نیرسیده‌است چشم پوشیده باینکه سعی کرد در اینکه قماش و سایر کالاهای مورد احتیاج عمومی بقیمت ارزان بدست مصرف کننده برسد و ضمناً سرمایه‌های را که بازرگانان بکار تجارت مشغول شود و آبا تصور میفرمایند ادامه تصدی دولت با وضع رفت باری که متذکر گردید سبب خواهد شد که عرضه با تقاضا تطبیق کند و اسباب رفاهیت عمومی فراهم گردد البته با خاتمه جنگ و توسعه میزان تولید و امکان افزایش فعالیت‌های بازرگانی مسلماً میبایستی این محدودیتها مرتفع گردد خاصه که خود جنابعالی طرفدار این فکر بوده‌اید و لذا مقام صلاحیتداری که از وضع بازار جهانی اینگونه کالاها اطلاع داشته و بتواند اوضاع و احوال را رعایت کرده و قضاوت در آزادی و یا ابقاء یکی از انحصارات بنماید بحکم عقل و قانون فقط اطلاق بازرگانی است نه یک فرد دور از محیط بازرگانی لذا اگر دولت با مشورت اطلاق بازرگانی مبادرت بالفای انحصار قماش نموده بصلاح مملکت و مردم و در ضمن بصره دولت اقدام کرده است.

بدیهی است نتیجه انصراف دولت در امر واردات و توزیع قماش را نمیتوان در ظرف مدت کوتاهی مشاهده کرد ولی باید متوجه باشند که مطابق قوانین اقتصادی فقط فکر سود بازرگانی است که سبب خواهد شد قماش مورد احتیاج عمومی از هر گوشه‌ای از دنیا که باشد بوسیله بازرگانان وارد و بواسطه کثرت واردات قیمت آن پیش از آن چه تصور میفرمایند تنزل و اسباب رفاهیت مصرف کنندگان فراهم گردد چنانکه در اثر القای ظاهری انحصار آن (زیرا دولت حق انحصار خود را هنوز دریافت میدارد) مشاهده می- شود که در قیمت آن تنزل فاحشی حاصل شده و نرخ قماش امروز در بازار در حدود قیمتی- است که دولت بوسیله دستگاه هریض و طولیل بخش و توزیع خود بوسیله کوبن سه متر در سال بمردم میفروخت و حتی پاره‌ای از آن اقسام قماش بر مراتب اوزانتر از آن است - در محاسبه اینکه برای سود بازرگان در معاملات قماش فرموده‌اید معلوم میشود یا از نرخ امروزه بازار بی اطلاع بوده‌اید که برخلاف حقیقت اظهاراتی ایراد و بازرگانان را هم مزاحم رفاه جامعه مرفعی فرمایید در حالی که چنین نبوده و گذشته از اینکه در بازرگانی آزاد اعضای اطلاق بازرگانی هم بحکم تاجر بودن باید مشغول تجارت باشند اصولاً حساب جنابعالی و منافع هنگفتی که برای بازرگانان در این معامله تصور فرموده‌اید خلاف واقع است زیرا که هریارد پارچه نخی با دلار ۳۲۵ ریال، هشت ریال سیف خرمشهر تمام شده و دولت هم یاردی ۸ ریال با اسم صدی صد بابت تفاوت بهای دلار اخذ مینماید در حالیکه امروز دلار ۶۵ ریال نبوده و ۴۵ ریال عرضه میشود، در هر حال دولت اضافه بر هشت ریال مذکور یاردی شش ریال هم بابت حق انحصار و سود بازرگانی و پول تبر و گمرک و سایر عوارض که جمعاً یاردی ۱۴ ریال می شود دریافت میدارد بگریال هم اقل بابت بیمه و کرایه و حق العمل بانک و تلگراف و غیره بر آن اضافه میگردد که با نتیجه این قماشهای نخی امریکائی یاردی ۲۳ ریال تمام میشود و امروز در بازار تهران بخلاف فرموده جناب- عالی متری ۴۰ ریال نبوده و فقط در حدود متری ۲۵ ریال بیشتر خریدار ندارد و وارد- کنندگان مورد نظر جنابعالی حاضرند که بهمان قیمت قماش، واردی خود را به جنابعالی و یا

هر کس که از طرف جناب عالی معرفی شود و اگذار نمایند در حالی که دولت برای هر یار در پارچه ۸ ریالی ۱۴ ریال حقوق خود را قبلاً دریافت نموده و منافع او مسلم میباشد و برعکس تصور جناب عالی در آمد دولت فرضی نبوده و نه تنها ملیونها خسارت به خزانه دولت وارد نیامده بلکه ملیونها تومان منافع مسلم خالص و پیدر پسر عاید خزانه دولت گشته است و معلوم نیست که در برابر کالائی که ۸۰ ریال قیمت دارد دولت بیش از ۱۴ ریال باید عاید داشته و بازرگانی که متجاوز از ده ماه قبل سرمایه خود را بر سر این کار گذشته و قیمت کالا را پرداخته امروز باید کمتر از ده درصد سود فرضی داشته باشد و بالعکس دولت در این معامله نیکمد و هفتاد درصد بدون صرف وقت و هزینه برای خود منقضی فایده شده و جناب عالی جانب انصاف را رعایت فرموده سود دولت را فرضی و سود بازار گانان را ملیونها تصور و مطالبی را بر خلاف حقیقت به موکلین سابق خود اعلام فرموده اید.

بهر حال اطلاق بازار گانی تهران عملاً نشان داده است که هواره در فکر اصلاح اوضاع اقتصادی و بازار گانی کشور بوده و رفاه و آسایش قاطبه هم میهنان را در نظر داشته و بدون هیچ نظر خاصی بانجام وظائف قانونی و ملی خود اختیاراً اقدام نموده و اگر اقدامات خود را هر روز به رخ مردم نکشیده و تظاهر و عوام فریبی نکرده است برای این بوده که این اطلاق همیشه خدمت بملکت و مردم را نصب العین قرار داده است نه اشتهار و خود نمائی و البته با کسانی که بخاطر حفظ مصالح عمومی قدمی بر میدارند اختصار همکاری را خواهد داشت

اطلاق بازار گانی تهران

پاسخ دکتر مصدق

بنامه اطلاق بازار گانی (۱)

اطلاق بازار گانی تهران!

در جواب نامه مورخ ۱۳۲۴/۱۱/۴ زحمت عرض می‌دهم منظور از اظهارات این جانب در مجلس شورای ملی که دنباله آن مکاتبه با آن اطلاق و توضیحات آقای شادمان در روزنامه اطلاعات کشیده شده است اساساً انتقاد از رویه اقتصادی دولت و اقدامات جناب آقای وزیر و زبرداری وقت بوده است نه اعتراض ببازرگانان در این صورت معلوم نیست بچه جهت اطلاق بازار گانی تهران بتوان رفع اهانت موهوم از خود در مقام دفاع از وزیر سابق دارائی برآمده و ضمناً مطالبی را که مربوط باصل موضوع انتقاد اینجانب نیست بطور مستقیم و غیر مستقیم در روزنامه ها منتشر میکند. این جانب برای جلوگیری از خلط مبحث و رفع هر گونه ابهام و اشتباه مجدداً موضوع انتقاد خود را با تفکیک رتوس مطالب شرح ذیل اظهار و تقاضا میکنم اگر برای و د آنها اطلاق بازار گانی طهران یا دیگران دلیل کافی دارند اظهار فرمایند مشروط بر اینکه از موضوع خارج نشود و پیرامون مطالب غیر اقتصادی نگردند:

اول- قماش و قند و شکر از کالاهائی است که در حال حاضر نظر با اوضاع اقتصادی دنیا موجبات ورود آزاد آنها بکشور فراهم نیست و از حیث میزان تولید و شرایط فروش و صدور و حمل تحت نظارت دولت ها و مشمول تفضیقات و تحدیدات بین المللی میباشد.

دویم- سهمیه هائی که برای ورود این اجناس بایران تشخیص داده شده است یا ضافه میزان تولید داخلی آنها در حدود نصف میزان مصرف داخلی در سالهای عادیست و کفاف حوائج عمومی کشور را نمی‌دهد (طبق مندرجات آمار گسر کی سال ۱۳۲۳ و شماره ۴ مجله اطلاق تجارت طهران و اظهار آقای وزیر در مجلس میزان عادی مصرف سالانه قماش ۱۲۰۰۰

میلیون متر - سهمیه واردات ۲۰ میلیون متر محصول داخلی در حدود ۱۰ میلیون متر میزان عادی مصرف سالیانه قند و شکر ۱۲۰ هزار تن سهمیه واردات ۵۲ هزار تن محصول داخلی ۲۳ هزار تن میباشد).

سیم - اگر سهمیه های محدود این اجناس و اخبار ورود و فروش آن بازرگانان (آنهم چند نفر بازرگان تهران که وسایل مخصوص این کارها را دارند) واگذار شود نظر بدیم موازنه بین عرضه و تقاضا و نقد رقابت آزاد ممکن نیست وارد کنندگان بود بازرگانی معمولی اکتفا نموده و کالا را بیهای مهندلی در دسترس مصرف کنندگان بگذارند.

چهارم - تا موقع اعاده اوضاع اقتصادی بحال عادی و امکان استقرار موازنه بین عرضه و تقاضا دولت مکلف است برای جلوگیری از سوء استفاده بازرگانان امر ورود و فروش این اجناس را در تحت نظارت خود نگاه دارد و دستگاه اقتصادی خود را برای انجام این منظور مرتب نماید بوسیله جلب مساعدت معتمدین محل و یا بوسیله تشکیل شرکت های مخصوص و وسایل دیگر اقدام بتوزیع عادلانه کالا بین اهالی کشور بنماید اگر سابقاً عمل جیره بندی خوب اداره نمیشد و مقداری از قماش های دولت در بازار بفروش میرسید بازهم بهتر از وضع فعلی بود که همه افراد کشور از خرید قماش بنرخ جیره بندی محروم شده و تمام واردات قماش در بازار بیفیع وارد کنندگان و بضرر جامعه بفروش میرسد.

پنجم - فساد دستگاه اقتصادی دولت و سوء استفاده بعضی از مأمورین جیره بندی و توزیع مجوز این نیست که دولت از انجام وظایف خود در قبال جامعه خود داری نموده و فاسد را بافسد تبدیل کند دستگاه مالی دولت هم مخصوصاً در قسمت مالیات بر درآمد خالی از فساد و علت نیست بلکه شهرت سوء استفاده مأمورین آن اداره از مأمورین توزیع و جیره بندی بیشتر است پس دولت باید مالیات بر درآمد را هم ملغی نموده و خاطر آقایان بازرگانان را بکلی آسوده سازد و انگهی اگر برای دولت وسایل توزیع عادلانه کالا در تمام کشور بیفیع کامل فراهم نیست بازرگانان هم بطریق اولی چنین وسائلی در اختیار خود نداشته و جز نفع شخصی منظور دیگری ندارند.

ششم - در صورتیکه وزارت دارائی واقعاً قادر باصلاح امر بخش و جیره بندی قماش نبود و ناگزیر بود از رعایت مصالح اقتصادی کشور و رفاه حال جامعه صرف نظر کند بازهم از لحاظ منافع مالی دولت مقتضی بود قماش های موضوع سهمیه ایران را که کشور های مبداء قیمت های نازلی میفروشند بحساب دولت خریده مانند قماش های موجودی فعلی خود بترتیب مزایده عمومی بفروشد تا لااقل تفاوت فاحش بین بهای خرید و بهای فروش عائد خزانه دولت گردد باین وسیله زیان برداشت حقوق کارمندان اداره بخش و جیره بندی که در هر حال بعهد دولت باقی است جبران شود در اینصورت مانعی نخواهد داشت که بازرگانان هم اجازه ورود قماش خارج از سهمیه دولت داده شود تا بطوریکه ادعا میکنند کم بود قماش مورد احتیاج دولت را از اکتاف و زوایای بازارهای دنیا بقصد استفاده بازرگانان تهیه و بکشور وارد کنند و بنرخ آزاد بدون دخالت دولت بفروشند نه اینکه چند نفر بازرگان بدون مشارکت سایر بازرگانان و بضرر عامه مصرف کنندگان از ورود و فروش قماش موضوع سهمیه دولت استفاده سرشار نمایند.

هفتم - برفرض لزوم القاء انحصار قماش و تفویض سهمیه قماش در آتیه به بازرگانان بازهم عطف این تصمیم بامسابق مجوزی نداشته و ماده ۳ و ۵ تصویب نامه شماره ۱۵۶۶ که بموجب آن معامله قماش های موضوع قرارداد های سابق دولت هم در قبال پرداخت تفاوت نرخ دلار بعنوان حق واگذاری بازرگانان واگذار شده است بکلی بی مورد بوده و گویا

بهین جهت متن کامل تصویب نامه مزبور برخلاف معمول در روزنامه رسمی کشور و سایر روزنامهها منتشر نشده و فقط مفاد ماده اول و دوم آن برای انتشار به روزنامهها داده شده است.

اما اینکه یاد آوری نموده اید که اطافهای بازرگانی مکلفند در پیشرفت اقدامات اقتصادی با دولت توحید مساعی نموده و دولت هم باید برای انعقاد تصیبات اقتصادی نظر اطافهای بازرگانی را استعلام نماید.

البته این همکاری و تبادل نظر در امور کلی و مسائل عمومی لازم است ولی در مورد معاملاتیکه اعضاء اطاف بازرگانی و بستگان آنها شخصاً ذی نفع و طرف معامله هستند مقتضی نیست که دولت بر طبق نظریات آنها تصیباتی اتخاذ کند و تصیبات خود را شامل تمهیدات گذشته آن ها هم بنماید.

بعلاوه بموجب تبصره ۳ ماده واحده قانون مصوب ۱۸ دی ماه ۱۳۲۳ دولت مکلف است هر چه زود تر شورای عالی اقتصادی را که طرح آن در سابق ریخته شده با اصلاحاتی که لازم بداند تشکیل دهد، نقشه اقتصادی عملی متناسب با احتیاجات فوری کشور تنظیم و مجلس شورای ملی قدیم نباید ولی متأسفانه دولت به این تکلیف قانونی خود عملی نکرده و بصرف مشورت اطاف بازرگانی طهران اکتفا نموده است.

تصیبات اقتصادی دولت های قبل از شهریور ۱۳۲۰ هم که مورد انتقاد آن اطاف از لحاظ انحطاط اقتصادیات کشور وعدم رعایت مصلحت عامه میباشد برخلاف آنچه اظهار داشته اید بدون اطلاع و مشورت اطافهای بازرگانی وقت و بعضی از اعضاء اطافهای بازرگانی فعلی طهران نبوده بلکه بعضی از اعضاء اطاف بازرگانی طهران علاوه بر راهنمایی دولت شخصاً عامل اجرای این تصیبات بوده و بعضی دیگر از سهمیه های محدود بعضی از اقلام واردات از قبیل شیشه آلات و چینی آلات استفاده کامل و انحصار بضرر مصرف کنندگان نموده و برخی دیگر کارخانهای مختلفه با استفاده از فعالیتهای گمرکی و تصدیق حدود و بانسیلات ارزی وارد کرده و محصولات همان کارخانه ها را در نتیجه منع یا تعدید ورود محصولات مشابه خارجی بقیمت های گزاف فروخته و مقدمات فقر عمومی و مفاسد اقتصادی و اجتماعی فعلی را که منشأ اشکالات سیاسی است از همان موقع فراهم نموده اند.

راجع بسکوت این جانب نسبت به مداخله بازرگانان خارجی در اقتصادیات کشور اگر منظور آن اطاف قرار دادهائی است که سازمان اقتصادی با بازرگانان خارجی برای ورود کالاهای انحصاری به منظور فروش بدولت منعقد نموده است بطوریکه اطلاع دارید این قراردادهای از طریق مناقصه عمومی منعقد گردیده و بعضی اوقات مناقصه بنام بازرگانان خارجی اصابت نموده و عمل دولت قابل اعتراض نبوده است بهر حال این موضوع ارتباطی با لغاء انحصار قماش ندارد.

موضوع لزوم تشویق فعالیت های شخصی و بکار انداختن سرمایه های واگد بازرگانان البته مورد تصدیق این جانب میباشد ولی آیا تصور نمیفرمایید از لحاظ رفاه جامعه و ترقی کشور اگر این فعالیت ها و سرمایه های بازرگانان در امور مربوط بتولید کالا و اصلاحات کشاورزی و از دیاد محصولات داخلی و تهیه کار برای بیکاران و افزایش و بهبود صادرات بکار افتد بهتر از خرید قماش از سهمیه دولت و فروش با سود گزاف بصرف کنندگان بیضاعت خواهد بود.

معاصبه بهای سفید قماش امریکائی که این جانب از قرار دی ۲۰ است بشهر دلار ۳۶/۵۰ ریال برابر ۵۰ دلار ریال نموده و مورد تکذیب آن اطاف واقع شده است هیئت از جمله رسمی اطلاق

بازرگانی طهران (شماره ۱۴ مورخ آذر ۲۴ صفحه ۳۸) نقل شده است و علاوه آقای دکتر نصر نمایندۀ اقتصادی دولت در امریکام قماش موضوع سهیبه سال ۱۹۴۴ دولت را بر سرخ متوسط یاردی ۶/۵ ریال تحویل خرمن شهر خریده است نرخ دلار آزاد هم دو تاریخ صدور تصویب نامه شماره ۱۵۸۶۶ که ملاک محاسبه حق واگذاری است بطوری که در شماره ۲۸۷۲ مورخ ۲۴/۱۸/۲۲ روزنامه ایران تعیین گردیده ۵۹ ریال بوده است نه ۵۴ ریال - و سودی را هم که برای دولت از بیات حقوق و عوارض گمرکی و انحصار قلمداد فرموده اند در حال عاید دولت میگردد اعم از اینکه دولت خود قماش وارد کند و بر سرخ جیره بندی توزیع نماید یا بازرگانان وارد کرده و بر سرخ آزاد بفروش برسانند.

اما نرخ فروش قماشهای امریکائی که ادعا نموده اید متری ۲۵ ریال بیشتر نیست و وارد کنندگان مورد نظر حاضرند به همین نرخ باین جانب بفروشند البته میدانید این جانب نماینده مجلس شورای ملی هستم و شما هم موکلین سابق من بوده اید و اکنون بواسطۀ عقایدی که اظهار نموده ام از عقیده سابق خود باین جانب عدول فرموده اید این جانب نه تنها در کار خرید و فروش کالا دخالت نمیکشم و وسایلی هم برای این کار ندارم بلکه بواسطۀ مسئولیت سنگینی که از قبول نمایندگی تا ۲۱ اسفند دارم از رسیدگی بامور شخصی خود هم خود داری مینمایم ولی هر گاه این اشخاص حاضرند تمام قماش های خود را متری ۲۵ ریال بفروشند چه مانع است که بجای پیشنهاد فروش باین جانب مراتب را در روزنامه ها اعلان و محل فروش را تعیین نمایند و اطاق بازرگانی طهران طبق اختیارات خود ترتیبی بدهد که قماشها در حدود این قیمت بدست مصرف کنندگان برسد ولی آنچه تا کنون در بازار عرضه شده است کمتر از نرخی که این جانب حساب کرده بودم و مورد تردید آن اطاق واقع شده است نبوده بلکه گران تر هم بفروش رسیده است - برای اثبات این مدعا نمونه سه رقم قماش امریکائی که روز جمعه پنجم بهمن ماه در بازار خیابان رفاهی از فروشنده موسوم برادیو بقرار متری ۴۰ و ۴۵ و ۶۰ ریال خریداری شده تلوا ارسال میشود حداقل نرخ قماش امریکائی موجودی دولت هم که در مزایده بفروش میرسد ۳۴ ریال است و انگهی چنانچه وارد کنندگان قماش بسود مختصر صدی ۵ اکتفا میکردند میتوانند طبق اختیاری که بموجب ماده سیم تصویب نامه شماره ۱۵۸۶۶ بآنها داده شده است قرار داد های رسمی خود را باطل ننوده و با دولت معامله کنند و حال آنکه هیچیک از وارد کنندگان قماش از این اختیار استفاده نکرده اند.

از آنچه عرض شد تصدیق خواهند فرمود که در استفاده سرشار بازرگانان مشمول تصویب نامه مورد انتقاد این جانب هیچگونه تردیدی باقی نمیمانند و خسارت دولت و ضرر جامعه هم از اجرای آن قابل تردید نیست و بند ۳ و ۵ آن بکطرفی است یعنی اشخاص و مؤسساتیکه سفارش دولت را در خصوص قماش نفعی قبول کرده اند در صورتیکه مایل باشند میتوانند در مقابل تأدیه صد درصد قیمت سیف اجناس وارد شده را از گمرک مرخص و در داخل کشور معامله کنند ولی اگر قماش غیر امریکائی (قماش انگلیسی و یاهندی) صرفند نکنند دولت نمی تواند وارد کنندگان بمعامله را ملزم نماید از معاملات قماش بازرگانان استفاده می کنند ولی حقوق کارمندان قماش را دولت باید از بودجه دارائی تأدیه نماید و انفصال آنها هم مورد ندارد از اظهارات آن اطاق و مذاکرات آقای شادمان معاون اقتصادی آقای هژبر در روزنامه اطلاعات نمی تواند حقایق را از انظار مستور داشته یا ممکوس جلوه دهد و جامعه هم در تشخیص کسانی که در فکر مصالح عمومی یا منافع شخصی هستند عادلانه قضاوت می کند و فریب بدعین خدمتگزاری خود را نمیخورد.

قضاوت افکار عمومی

پس از پاسخ د کتر مصدق بنامه اطاق بازرگانی تهران بعضی از مطلعین و اشخاص بیطرف مراسلات و مقالاتی در جراید در تأیید اظهارات نماینده اول تهران ورد ایرادات اطاق بازرگانی نوشتند که از جمله آنها یکی مراسله آقای ابوالقاسم بهبهانی نماینده دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی و دیگری مقاله مشروح و مفصل آقای مهدی نراقی تحت عنوان : « آقای هژبر سفسطه کرده اند » میباشد که در روزنامه فروغ (بجای روزنامه داریا) منتشر شده است . و این مراسلات و مقالات بخوبی نشان میدهند که افکار عمومی در این موضوع چگونه قضاوت نموده است .

اینک ما متن مراسله آقای ابوالقاسم بهبهانی را که در شماره ۸۷۹ روزنامه کیهان مورخ ۱۶ بهمن ماه ۱۳۲۴ منتشر شده در ذیل درج و از نقل مقاله آقای مهدی نراقی که بسیار مفصل است و در شماره های ۱۹۴ و ۱۹۵ روزنامه « داریا » چاپ شده است برای احترام از اطناب کلام خودداری مینمائیم :

اطاق بازرگانی تهران!

مورد تردید نیست که جناب آقای د کتر مصدق یکی از نمایندگان باشاهامت آزادی خواه و وطن پرستی است که با کمال صراحت تقاط ضعف و مراکز فساد دستگاه های دولتی را در مجلس بیان و وظیفه مقدس نمایندگی را برخلاف همکاران خود به بهترین نحو انجام و در راه حفظ آزادی و استقلال کشور منتهای فساکاریرا بخرج میدهند .

البته وظیفه عموم افراد کشور و اشخاصی که ذره حس اصلاح طلبی و وطن خواهی داشته باشند آنست که این شخص شریف را در راه پیشرفت منظور بشیبانی و مساعدت نمایند اما متأسفانه نه تنها با این عنصر پاک و یگانه مرد شجاع همراهی نمیشود بلکه در هر جا که با اظهار حقایق لطیفه بمنافع یکی از طبقات وارد میگردد از هر گونه ناسزا و نسبت های ناروایی در باره اش فروگذار نمی شود عجالتاً روی سخن بنده یا بازرگانان که خود نیز یک فرد از آنان هستم و اطاق بازرگانی است که از بیانات آقای د کتر مصدق از ترس اینکه مبدا بمنافع آنان لطمه وارد گردد برآشفته و مستقیم و غیر مستقیم در مقام دفاع برآمده می خواهند مرمایشات باحقیقت آوری د کتر را خلاف حقیقت جلوه داده حمل بر تظاهر و عوام فریبی نمایند در صورتی که اگر ما بتوانیم در مورد خود تحصیل انتقاد نمائیم با علاقه که با اصلاحات امور کشور داریم هیچگاه فایق بمقصود نخواهیم شد .

بطوری که کلومندان محترم اطاق بازرگانی از بیانات و رویه جناب آقای د کتر مصدق اطلاع دارند معزی ایبه هیچگاه طرفدار انحصار بازرگانی نبوده و باوقوف بخرابی دستگاه دولت میدانند که فعلاً با این تشکیلات فاسد دولت نمی تواند بازرگان خوبی برای کشور باشد و بعقیده بنده ابراد جناب آقای د کتر مصدق آنست که این تشکیلات

سه روزه بنفع خود کالائی را آزاد و یا با انحصار دولت درمی آورند و با این ترتیب بضرر کشور و افراد سوء استفاده هائی میشود و این قسمت هم قابل انکار نیست که برای آزادی یا انحصار هر کالائی دست اشخاص منفعت طلب شاید در کار بوده و هر روز جریان امور بازرگانی را بنفع خود تغییر داده و میدهد مثلاً اگر از روی انصاف قضاوت نمایم از ابتداء معامله این قباشهای امریکائی پیدا بود که نسبت بآن بنده و بست هائی در کار است و گرنه چرا اولاً باید منت مناقصه اینقدر کوتاه باشد که اشخاص وقت کافی برای مخابره تلگراف بامریکا و گرفتن پیشنهاد نداشته و بالنتیجه عموم بازرگانان نتوانند در مناقصه شرکت نمایند؟ تا بیا هیچ معقول هست بازرگانی تمام آن شرائط شداد و غلاظ را در مقابل سودی بمیزان دو الی نیم در صد قبول نمایند و اگر ریک در کفش نداشته و قبلاً تباخی نکرده باشد حاضر قبول این معامله شود؟؟؟...

در قسمت سوم که باقای دکتر حمله شده و کارمندان اطاق خواسته اند برای تیرمه خود سود حاصله از این معاملات را کمتر از میزان حقیقی جلوه داده و یاردی ده الی پانزده ریال را که از این کسب حلال و تجارت مشروع؟؟ فائده بردمانند بدو ریال تقبیل دهند؛ عرض میکنم که این معاملات را نمیتوان مخفی نگاهداشت و خریدار و فروشنده در بازار معروف هسته و اینک چند نفر از آنها را بشرح زیر صورت میدهم :

فروشنده	خریدار	مقدار یارد	منافع از هر یارد
مهدی شالچی	دهدشتی	۸۸۰۰۰ یارد	۱۱/۵۰ ریال
شرکت اسفندیار آبادانی محمد دانشور	<	< ۲۹۰۰۰	< ۹/-
<	منتخب نژادی	< ۳۰۰۰۰	< ۱۰/-
کاشانچی و لاجوردی	کمیلی	< ۳۷۰۰۰	< ۵/-
خونئی	عظیمی	< ۲۸۰۰۰	۶ الی ۱۰ ریال
خرازی	کاشانی	< ۴۲۰۰۰	< ۵/-
شاهرودی	عظیمی	< ۴۲۰۰۰	< ۵/-
اصغر وزیری	ایسکچی	< ۲۷۰۰۰	< ۱۰/-
غضنفر	حسینان	< ۴۲۰۰۰	< ۵/-
کاشانی	کمیلی	< ۲۴۰۰۰	< ۱۴/-
عظیمی	<	< ۴۸۰۰۰	< ۱۴/-
حاج محمد حسین کاشانی	دانشگر	< ۲۴۰۰۰	< ۱۶/-
شپلا	عنایینی	< ۴۲۰۰۰	< ۱۱/۵۰

در هر حال نظر بنده از این تذکرات آنست که آقایان بازرگانان که خود خواهان اصلاحات هستید نباید موجبات دلسردی این شخص شریف را که در هر مورد جان خود را کف دست گرفته برای استقلال و اصلاحات این کشور خراب و این ملت ستم دیده مبارزه و فداکاری مینمایند فراهم سازند بلکه همانطوریکه در مقدمه عرض کردم حق آنستکه همگی طرفدار و پشتیبان این مرد شریف باشیم و خاطر محترمشانرا آزرده نازیم و اگر گاهی اوقات سوء تفاهمی رخ داده باشد با دادن توضیحات مرتفع نماییم و بامر کس که بمقام مقدس ایشان اهانت نماید جداً مبارزه نمایم و ضمناً نقاط ضعف خود را نیز اصلاح و بیاصلاح اصلاحات را از خود شروع کنیم . ابوالقاسم بهبهانی

باز هم راجع به :

وقایع آذر بایجان

نماینده اول تهران علاوه بر نطقی که در جلسه ۱۸ آذر ۱۳۲۴ راجع بحوادث آذربایجان ایراد نمود و مادر صفحه ۱۸۲ و ۱۸۳ این کتاب نقل کردیم در جلسه ۲۴ آذر نیز در این مورد بیانات مشروحی نمود که عین آن از شماره ۲۴۹ مجله مذاکرات مجلس صفحه ۸۷۰ تا ۸۷۳ نقل میشود :

دکتر مصدق - تا شهر یور ۱۳۲۰ که دوره دیکتاتوری خاتمه یافت در این مملکت يك سياست بیشتر مؤثر نبود و من گمان نمیکنم کسی انکار کند - از آن بعد که دولت شوروی با بعضی سیاست این مملکت گذاشت بجای سیاست موازنه منفی که متجاوز از يك قرن این مملکت از آن پیروی میکرد همان سیاست يك طرفی مجری و معمول بود . من از خیانتی که بعضی وزراء بعد از شهریور باین مملکت کرده اند چیزی عرض نمیکنم فقط عرض میکنم در این دوره هم که من بانتخاب نمایندگی مجلس مفتخر شدم چون انتخابات آزاد نبود مجلس هم از همان سیاست پیروی کرد و برای مثال انتخابات تبریز و جریان آذربایجان در مجلس عرض میکنم ، در تبریز نه فروکیل يك صورتی انتخاب شدند که هفت نفر از آنها را قبول کردیم و دو نفر رد شدند دو نفر در این مجلس رد گردید و هیچ دلیلی هم نداشته اگر اعتراض بصلاحيت شخصی بود اشکالی نداشت ممکن بود بگوئیم بصلاحيت نداشتند ولی بهیچوجه اعتراض بصلاحيت شخصی نشد . روی جریان انتخاب رد شد در صورتیکه جریان انتخاب هر - نه تفریکی بود همان وقت هم بنده در همین مجلس این نکته را عرض کردم .

گامبختش - و کلای اول و دوم تبریز -

دکتر مصدق - سیاست يك طرفی مجلس من وعده ای از نمایندگان را ناراضی کرد ما چند ماه بامجلس و دولت صدر مبارزه کردیم .
کاظمی - درست نیست آقا .

دکتر مصدق - از مجلس رفتیم و باز آمدیم و سیاست يك طرفی در مجلس همانطور که هست ، ما تصور میکردیم که بواسطه سوابق نیک آقای حکیمی آن کسی هستند که يك دولت بیطرف تشکیل دهند .
انتخاب بعضی از وزرای اهل بندوبست و رنگین دلیل است که نتوانستند آنچه ما در نظر داشتیم بکنند .
آقای حکیمی را چه واداشت که آقای فهمی را که مورد اعتماد خودشان هم نیست وزیر کشور انتخاب کنند و آقای فهمی را چه واداشت که بلافاصله بعد از تشکیل دولت انتخاباتی که جنبه یکطرفی داشت بکنند؟!
آقای حکیمی را چه واداشت که وزیر اعلی رنگین که رنگ بعضی از آنها بقدری سیراست که



آقای فهمی (فهم الملک) وزیر کشور در کابینه دوم حکیمی

در این وقت از زمان در این مجلس از دولت های قرار داد و کودتا دفاع می کنند (۱) وارد دولت خود نمایند، تشکیل این دولت و وقایع چندی از آن جمله قانون تحریم انتخابات که قبل از تشکیل دولت روی داده بود سبب شد که در آذربایجان وقایعی روی دهد. همان روزهایی که این طرح تهیه شده بود برای اینکه مجلس نیاید من در یکی از جلسات چنین اظهار کردم اگر قشون خارجی سبب انتخابات غیر آزاد است در دوره ۲۰ ساله که قشون خارجی نبود چرا مجلس شورای منی از نمایندگان حقیقی ملت محروم بود (یکی از نمایندگان - صحیح است) (چند نفر از نمایندگان - درست نیست).

وقتی که نمایندگان خواستند این طرح را به مجلس بیاورند از نمایندگان اکثریت و اقلیت کمیسیون تشکیل شد و نظریات من در کمیسیون این بود که اول قانون انتخابات اصلاح شود (صحیح است) اگر دیدیم که باز ممکن است اعمال نفوذ نمود آنوقت تاقشون خارجی در مملکت هست انتخابات تحریم شود من تصور میکنم که اگر اشخاص باسواد رأی بدهند و انتخابات مثل همه جا بگردد خاتمه یابد که رأیها را نتوانند عوض کنند هیچ قشونی نمیتواند در انتخابات مؤثر واقع شود (صحیح است) مگر قشون خارجی خودش رأی میدهد. وقتی که رأی دهند باسواد رأی خود را حضور هیئت نظار نوشت و در صندوق انداخت دیگر تهدید و تطمیع در چنین انتخاباتی بی مورد است. برای اینکه آقایای نمایندگان با انتخاب خود در دوره پانزدهم اطمینان پیدا کنند من حاضر شدم که قانون فنی انتخابات و تمام دهستانهای کشور و ۱۲۶ کرسی را با اختیار ایشان بگذارم و فقط از ۲۰۰ نفر عده نمایندگان که اصل ۴ قانون اساسی معین میکند ۲۴ نفر را (حاذقی - ۶۴ نفر) اهالی باسواد شهرها انتخاب کنند که در مجلس عده ای از وکلای نمایندگان حقیقی ملت باشند، نظریات من قبول نشد و طرح نمایندگان مطرح شد و بدون اینکه جریان قانونی خود را طی کند مجلس آنرا بدولت ابلاغ نمود.

رفتار هیئت حاکمه سبب شد که مردم آذربایجان همان استانی که نه ماه استانه لر نداشت و چنانچه يك دهی يك ماه بدون کدخدا باشد رشته نظم و امنیت در آن مختل میشود ناراضی شوند (صحیح است) وعده قلیلی هم از عدم رضایت آنها استفاده نموده دعوی خود مختاری میکنند.

جمال امامی - مردم آذربایجان نکرده اند.

دکتر مصدق - گوش بدهید بعد صحبت کنید.

نایب رئیس - خواهش میکنم آقایان در بین نطق بکنفر ناطق صحبت نکنید باعث بی نظمی میشود.

دکتر مصدق - من عرض نمیکنم که دولت خود مختار در بعضی از ممالک مثل دول متحده امریکای شمالی و سوئیس نیست ولی عرض میکنم که دولت خود مختار باید بافراندم عمومی تشکیل شود (صحیح است) قانون اساسی ما امروز اجازه تشکیل چنین دولتی نمیدهد (صحیح است) ممکن است که ما فراتر برویم، اگر ملت رأی داد مملکت ایران مثل دول متحده امریکای شمالی و سوئیس دولت قدرالی شود (صحیح است) هیچ نمیتوان گفت که در يك مملکت يك قسمتش فدرال Federal باشد و يك قسمت دیگرش دولت مرکزی باشد. قانون اساسی يك قرارداد اجتماعی است (کنتراکتکیف Contrat Collectif) این کنتراکتکیف تا از طرف جامعه اصلاح یا نقض نشود قابل اجراء است. بنده هیچ مخالف نیستم که مملکت ایران دولت فدرالی شود شاید دولت فدرالی بهتر باشد که يك اختیارات

داخلی داشته باشند بدهم پادولت مرکزی موافقت کنند و دولت مرکزی هم جریان بین-المللی را اداره بکنند ولی هر تغییر هر قسم تغییری که در قانون اساسی باید داده شود باید بارفرندام عمومی باشد (نمایندگان - کاملاً صحیح است).

آقای نخست‌وزیر گزارش واقعاتی را دادند که مردم همه میدانند که در استان سوم فرقه ای بنام دمکرات و مجلس شورائی تشکیل شده و زرداری تعیین نموده اند. من میدانم آقای نخست‌وزیر غیر از این چه فرمودند و چه راه حلی پیشنهاد کردند که نمایندگان بجای اینکه از قرائت گزارش ایشان گریه کنند اکثریت مجلس برای ایشان دست زد (صحیح است).

یکی از نمایندگان - اکثریت نبود.

طهرانچی - معلوم هم نبود چی بود.

دکتر همدانی - از وقتی که این نهاد ناموزون در آن استان بلند شده بعضی اشخاص نزد من آمده و خواسته اند تظاهراتی کنند چون مسکن بود که عناصر فاسد و مفسد جو از تظاهرات آنها سوء استفاده نموده و امنیت شهر را مختل کنند من مراجعین را بتأمل و صبر دعوت کرده و از آنها خواهش نمودم که از هر گونه تظاهر خودداری کنند، این را هم عرض بکنم که مراجعین بن تنها شکایت از بعضی از هم وطنان آذربایجانی نمیکنند بلکه از هیئت حا که هم شکایت می کنند و همه میخواهند مثل اولادی که در يك خانواده با پدر خود زندگی میکنند زندگی کنند. ولی افسوس که در این خانواده پدری نیست که آسایش و عدالت را برای افراد خود تأمین کند (صحیح است).

طبق اصل ۲۶ متمم قانون اساسی که خود آقای نخست‌وزیر هم روز قبل در نطق خود به آن اشاره فرمودند «قوای مملکت ناشی از ملت است» و یکی از قوای ثلاثه مملکت قوه مجریه است. من از خود ایشان که شخص منصف هستند سؤال میکنیم که اغلب از وزرانی که داخل در این دولت شده اند چه ارتباطی با ملت دارند؛ من هیچوقت نمی خواستم با دولت شخصی مثل آقای حکیمی مخالفت کنم ولی سکوت سبب میشود که نزد خدا و خلق و موکلینم مسئول شوم.

از آمدن ایشان اگر مقصود گزارش (کار از کار گذشت) بود اشکالی نداشت، معروف است زمانی که دکتر محمد کرمانشاهی از اروپا آمده بود از کلیه مرضی سنگ بزرگی در آورد و آنوقت مغیر الدوله وزیر علوم بود و در مجلس او تعریف از دکتر مزبور میکنند و میگویند سنگی که از کلیه مرضی در آورد بزرگتر از تخم مرغ بوده است، مغیر الدوله میسر سفری چه شد میگویند مرد، میگوید اگر این طور بود من میتوانستم قلوه مرضی را در بیاورم (خنده نمایندگان)

از آمدن ایشان مقصود این نبود که به مجلس يك چنین گزارشی بدهند و بالصراحت اقرار کنند که راه هر گونه مذاکرات برای دولت ایشان منسوخ است.

بلکه مقصود این بود که ایشان دولت خود را از عناصری طرف تشکیل و بلافاصله اصلاحاتی کنند که کار با این جاهلترسد.

از وقتی که ایشان آمده اند قدمی برای اصلاحات برنداشتند (چند نفر از نمایندگان - صحیح است). و عقرب این دوره تمام میشود و حتی لایحه اصلاح انتخابات را که در برنامه خود نوشته اند تنظیم نکرده اند. قطع کاری که کرده اند شهردار را منصف نموده اند و کسی هم که شهردار را در دادسرا تعقیب میکنند از کرده خود پشیمان شده است. از همه کجای مملکت نیست که مردم شکایت نکنند من اجازه میخواهم چند تلگراف و نامه که به مجلس

رسیده است قرائت کنم (صدراعظمی - یکجا هم شکایت کردها است) اول شکایت فرقه دمکرات آذربایجان- این شکایت دو ۲۸ آبان ۱۳۲۴ بن رسیده که بر من مجلس شورای ملی برسانم و رونوشتی نزد من است که الان قرائت می کنم .

« اینک قسمتی از فجایع مأمورین دولت و نامه هائی که در باره قانون «
 «شکنی های آنها به دادسرا و سایر مراجع صلاحیتدار نوشته شده یاد آور میشود .»
 «در تاریخ ۲۴/۷/۹ درده عجمی از محال هشتروند محمد صادق مجتهدی بعیت»
 «عبدالحسین ساسانی باعده از مأمورین امنیه مسلحانه به دهقانان حمله میکنند»
 «ابتدا گلوله بدست زلفعلی میزنند چون وی بر زمین می افتد حسن آقا غلام فتحعلی»
 «ومشهدی عباداته را هدف گلوله قرار داد، میکشند و پنج نفر را چنان مجروح»
 «مبازند که اکنون بشری هستند ... (۱)»

(۱) در اینصورت یعنی بعضی از نمایندگان مذاکراتی رخ داد که در ذیل قل میندایم قاهر رعایت امانت در قتل مطالب شده باشد و هم رشته فطقی دکتر مصدق از هم مسیخته شده و باعث زحمت خوانندگان گردد. اینک عین مذاکرات مزبور :

دکتر مجتهدی - دروغ است آقا ، دکتر مصدق دروغ میگوید

دکتر مصدق - من شکایت دیگران را میگویم اگر دروغ میگویند باید رسیدگی و معلوم شود شکایت را میکنند باید رسیدگی کنید ، شما اینها ساکت کنید ،
 مهندس فریور - بگذارید صحبت کنند .

مجدد - دروغ میگویند ، آنها را بخوانید خلاف مصلحت مملکت است .

مهندس فریور - تو ساکت بنشین دزد ، مرد که دزد ، بی شرف تو ملک ما زاندران را خورده ای (مجدد دزد تو هستی شوچه ، خفه شو مزدور خارجر) (همه نمایندگان - صدای زنگ تیریس)
 مهندس فریور - نو دلت برای ملک زوارت میوزد ولی دیگر گذشت .

دکتر مصدق - باید در این مجلس بشکایات رسیدگی شود ملت ایران باید حرفش را بزند شکایت رسیده است ، باید تکلیف شکایت معلوم شود . من نماینده ملت ایرانم باید شکایاتشان را بر من مجلس برسانم اگر نگذارید خودم را خفه میکنم (جمال امامی - بکن جونم) شما میخواهید بکنی مردم را مایوس کنید مجلس باید رسیدگی کند اگر شکایت نکنند میگوید منرد هست اگر شکایت کنند اینطور میگوید پس یکجا شکایت کنند !!

فداکار - آقای مجد برای اینکه محکوم شده اند معبای هستند (زنگ تیریس)

دکتر مصدق - مردم شکایت می کنند باید شکایت آنها را خواند و رسیدگی کرد (نمایندگان - بفرمایید) باید شکایات آنها رسیدگی شود ، چرا رسیدگی نمیکنید پس یکجا آنها شکایت بکنند (نمایندگان بفرمایید ، آقا بفرمایید)

نایب رئیس - آقای مجد من شما و مهندس فریور را خطار کردم که ساکت باشید و گرنه مجبور میشوم رأی بگیرم .

مهندس فریور - ایشان کلام لاطق را قطع کردند .

نایب رئیس - بلاینده تصدیق میکنم که ایشان ابتداء بر خلاف رفتار کرده کله دزدیاید در مجلس گفته شود (یکی از نمایندگان - تکرار بفرمایید)

فداکار - حرف صحیح که نسبت نیست آقای رئیس .

نایب رئیس - ابتداء بنده برای بگیرم والا مجلس را ترک میکنم .

نمایندگان - آقای دکتر مصدق بفرمایید .

- « با این حال قاتلین تعقیب نشده و برعکس کشاورزان بی گناه را »
- « بدون ذکر علت باز داشت میکنند (وضع - صحیح است) در قوشابولاق و بان »
- « بولاغ دو نفر کشاورز بنام معرم و قنبر بدست اصلان و همایون و استوار »
- « ابراهیمی کشته میشوند و در اثر حمله مسلحانه مأمورین ژاندارمری کشاورزان »
- « با خانواده‌های خود بیابان فرار میکنند در شریان عده از مأمورین ژاندارمری »
- « بسر کردگی گروه بان مقدس عده ای از ریش سفیدان و معتدین محلی را در »
- « طوبله توقیف کرده سپس بخانه کشاورزان مسلحانه حمله می نمایند و پس از »
- « غارت اموال و مجروح ساختن عده کبیری از آنان یکی از آنها در اثر جرح »
- « وارده کشته میشود و چند نفر زن سقط چنین می نمایند، در تکه داش مأمورین »
- « ژاندارمری اناثیه منازل آزادبخواهان را غارت میکنند و دو بست نفر از »
- « دهقانان با زن و فرزند خویش واه بیابان را پیش میگیرند و فرار میکنند »
- « در فرار از مأمورین ژاندارمری بسر کردگی سروان دیبا ببال و جان دهقانان تجاوز »
- « کرده و کاری میکنند که صد و پنجاه تن از رعایا سراسیمه برای نجات خود »
- « پشربز آمده بفرقه دموکرات آذربایجان پناهنده میشوند، در قریه سلطان »
- « آباد حسن امین با علی نام بوسیله تفک یک زن را بطوری مجروح ساخته »
- « که مشرف بموت است و فرزند او در اثر ضرب تفک ژاندارم کشته میشود. در »
- « کلته سروان عابدینی با عده زیادی ژاندارم آزادبخواهان را بچوب بسته »
- « افراد برجسته آنها را زندانی میکنند، مرتجعین مردانیم با استفاده از »
- « ژاندارمری بساکن آزادبخواهان حمله ور شده و پس از غارت اموال و اناثیه »
- « مردم کاری میکنند که عده کبیری از دهقانان متواری میشوند، در اثر ضربات »
- « وارده ۳۶ نفر از اهالی مجروح میشوند که هنوز نیز بستری میباشند »
- « اینک نامه‌هایی که حاکی از اعلام جرم بر علیه مأمورین متغلب ژاندارمری و »
- « مرتجعین محلی است متذکر می شویم (۷۸ اعلام جرم است ... »

در تمام این موارد تقاضای مردم این بوده که مقامات مسئول در حدود قانون اساسی و اصول محاکمات جزائی مرتکبین را تعقیب و از مداخلات غیرقانونی مأمورین ژاندارمری در امور حقوقی جلوگیری نمایند و با احترام باصل تفکیک قوا طبق دستور بخش نامه شماره ۳۵۳۶ - ۲۴/۵/۱۱ دادسرای استان ۳ و ۴ مانع از مداخله مأمورین ژاندارمری در کارهای حقوقی شده و نگذارند که مأمورین آن اداره بجای تأمین آسایش خود سبب قتل و غارت و سلب آسایش عمومی گردند. (اسکندری - امضایش را هم فرمائید) تلگرافی است که فرقه دموکرات میکند دوم شکایت از شاهی است دوازدهم آذربایجان شورای ملی تلگراف میکنند و رونوشت بینه داده شده است :

ارشاهی - ۱۳ آذر ۱۳۳۴

- « ساحت مقدس مجلس شورای ملی رونوشت جناب آقای دکتر مصدق نماینده اول تهران »
- « عدم توجه اولیای دولت با اجرای کامل قانون اساسی و اجحافات و ناروایی‌ها بنگه »
- « سالهاست نسبت ب مردم میشود از طرف ساکنین این استان تقاضا داریم بدرخواستهای »
- « قانونی مافوقی ترتیب آتر داده و بیش از این اجازه تسخیر مردمان این ولایت »
- « از مزایای حق قانون معروم بمانند. »

- ۱۱- دولت باید فوراً دستور انتخابات انجمن ایالتی و ولایتی را صادر نماید.
- ۱۲- بامور فلاحی و کشاورزی مازندران که در اثر عدم توجه اولیای امور نزدیک است متوقف شود توجه کامل شود.
- ۱۳- راهپای شوسه و طرق باندازه ای خراب شده که بطور کلی تجارت و حمل بار متوقف گردیده بایستی در اسرع وقت دستور ساختمان داده شود.
- ۱۴- اصلاحات شهری- توضیح آنکه شهرها در اثر عدم مراقبت شهرداریه خراب و بدون چراغ و کیفیت شده و همین باعث بروز امراض مختلفه گردیده.
- ۱۵- بیش از ده هزار نفر زارع و کارگر گرسنه و روز بروز بفحشاء و سرقت اضافه می شود.
- ۱۶- املاکی که توسط شاه سابق از مردم گرفته شده و هنوز بصاحبانش واگذار نشده هرچه زودتر داده شود.
- ۱۷- وضع بهداشت مردم مازندران باندازه وقت باراست که نهایت ندارد دولت بایستی فوراً درصدد تأسیس پست های بهداشتی با وسایل کامل برآید.
- ۱۸- خواربار مردم هیچگاه تامین نشده تاکنون که بایستی نرخ خواربار سالانه ارزان باشد روغن نیاب و قیمت برنج فوق العاده ترقی کرده.
- ۱۹- فرهنگ مازندران کافی نیست و با احتیاجات محلی هم تطبیق نمیکند مابدون در نظر گرفتن اختلاف طبقاتی از لحاظ این که عموماً مازندرانی وساکن این دیاریم اعلام میداریم که بایستی احتیاجات و تقاضای مشروع این استان در کمترین فرصتی بر آورده شود، ما از دولت انتظار داریم که بیش از این راضی نشوند مازندرانی ها که سالها زیر فشار مامورین املاک و حکومت استبدادی بودند هنوز هم بوضع سابق باقی میمانند در صورتی که دولت بعیاض ما توجهی نکند تا چاریم برای حفظ دموکراسی و اسماً اقدامات لازم را طبق موازین قانون اجرا نمائیم (بین اسفندیاری - صحیح است)
- از ساری همینطور تلگراف شده است.
- سوم - شکایت از بهشهر که در آذر رسیده تقریباً بهمان مضمون که دیگر وقت مجلس را نمیخواهم تلف کنم.
- ظاهر آنچه - بهترین وقت مجلس آن وقت است که بشکایات مردم رسیدگی شود.
- دکتر مصدق - شکایتی است که در بیست و یک آذر از ساری شده است می نویسد:

از ساری - ۲۹ آذر ۱۳۲۴

- برای رفع حوائج حیاتی مازندرانی علی العموم اهالی شهر ساری علی الخصوص نسبت بشکات زیرین جلب مینمائیم و تقاضا داریم در اسرع اوقات برای ترمیم و خرابیها و علاج دردهای ما اقدامات مؤثر و لازم بعمل آید.
- ۱- کار دادگاه استرداد املاک ساری قریب پایان است ولی احکامیکه حتی در دیدو شروع بکار این دادگاه صادر شده هنوز ازدادگاه تجدیدنظر برنگشته و در نتیجه هم مالک و هم زارع بلامتکلیف مانده اند و هم سطح کشت زراعت پائین آمده و روش اداره املاک و اگذاری نیز باین خسران کمک شایان میکند.
- ۲- از شهریور ۱۳۲۰ باینطرف هنوز حتی یک متر قماش بکشاورزان عربان

«مازندران داده نشد و متجاوز از دو سال است که باهالی شهر هم قماش نداده اند»
 «۳- هر سال هنگام شیوع مالاریا عده بیشتری از این مرض مهلك میبرند و «
 «اداره بهداشتی یا بیپسوجو چه قدرت کوچکترین مبارزه با اینوضع رقت بار ندارند»
 «بانی میخواستند کوچکترین قسمی بردارند البته ما در اینجا از امراض دیگر (سیفلیس»
 «تراخم - آبله) که در تغلیل و نفوس مازندران بیش از مالاریا مؤثر است صحبتی»
 «نمیکنیم در هر صورت نمیشود مسئولیت مقامات دولتی را انکار کرد.»

«۴- وضعیت طرق مازندران که مبالغ هنگفت صرف احداث آنها شده وقت بار»
 «است چنانکه با ادامه اینوضع ممکن است در آتی نزدیک عبور و مرور مقطوع»
 «شود و پلنهای بزرگی که میلدونها تومان برای ساختن هریکی از آنها خرج»
 «شده در اثر عدم توجه در شرف ویرانی است.»

«۵- اوضاع برق و آب شهرهای مازندران (بخصوص ساری) که جزء اولیه ترین»
 «وظایف شهرداری است بسیار اسف انگیز است شهر ساری متجاوز از دو سال»
 «است که در ظلمت فرورفته و آب آشامیدنی آن آبی است که از آلوده ترین»
 «مجاری میگردد.»

«۶- با آنکه مازندران مرکز تهیه مواد خواربار است در نتیجه عدم توجه دولت»
 «و سوء اداره قیمت روغن بهره کیلو (۴۵۰) ریال رسیده است سایر مواد عده»
 «خوار بار را از همینجا قیاس فرمایند.»

«۷- مفاسد و معایب اجتماعی مازندران و شهر ساری بمقیده اینجانبان ناشی از»
 «کوتاه بودن دست افراد محلی در اداره اوضاع اجتماعی است و تنها طریق رقع»
 «مفاسد همانا اجرای اصول مقدس قانون اساسی و تشکیل انجمنهای ایالتی و»
 «ولایتی است که نه فقط مورد تقاضای مابله که مورد تقاضای قاطبه اهالی ایران»
 «است درخاتمه اگر دولت در یکی از موارد فوق تردیدی دارد و امضاء کنندگان»
 «را در دعای خود صادق نمی پندارد ممکن است با اعزام بازرسیهای صالح (نه»
 «م - - بازرسیهایی که تاکنون اعزام شده اند) صدق قول ما را تحقیق نمایند جناب»
 «آقای استاندار که هنوز دوزخ بیشتر از ورود ایشان بمازندان نگذشته است»
 «خود شاهد این اوضاع رقت بار میباشند مسلما با عدم توجه بطالیات حقه فوق»
 «احتیاجات مردم را بر رفع مستقیم معایب و ادار خواهد کرد.»

یکی از تقاضاهای شکایت کنندگان این است که انجمن های ولایتی و ایالتی تشکیل شود ، کدام انجمن؟ همان انجمنی که اصل ۲۹ قانون اساسی لازم دانسته و می گوید «منافع مخصوصه هر ایالت و ولایت و بلوک بتصویب انجمن های ایالتی و ولایتی بموجب قوانین مخصوصه آن مرتب و تسویه میشود» همان انجمنی که خود این دولت در ایام اخیر آن را لازم دانست ولی بواسطه نفوذ نمایندگان توانست نظریه خود را اجرا کند. همان انجمنی که بعضی از نمایندگان هیئت ۱۶ نفری که برای کمک آقای نخست وزیر از فراکسیونهای مجلس تشکیل شد و چون بعضی از اعضاء تشکیل انجمن را لازم دانستند هیئت دیگر تشکیل نشد و متحل گردید. علت مخالفت نمایندگان با این انجمن های ولایتی و ایالتی این است که اگر انجمن های ایالتی تشکیل شود در انتخابات موفقیت حاصل نخواهند کرد والا انجمن ایالتی و ولایتی بر طبق اصل ۲۹ قانون اساسی باید تشکیل بشود قانون انجمن های ایالتی و ولایتی در دوره اول مجلس گذشته است، آن شب آخری هم که مادر هیئت ۱۶ نفری بودیم یکی از نمایندگان می گفت شما که حقیقه دارید که انجمن ایالتی و ولایتی تشکیل شود این قانون را

مطالعه بفرمائید اگر آن را صلاح دانستید و اصلاحات ضروری لازم نداشت از روی همان انجمن‌ها تشکیل شود - بنده وقتی رفتم منزل قانون انجمن‌های ولایتی را خواندم دیدم بیچوجه این قانون ضروری ندارد و بسیار هم مفید است و حتی این که اگر دولت هم بخواهد به سلیقه خودش یکی از موادش را اصلاح بکند این چه ماضی دارد که امروز انجمن‌های ایالتی را در هر جایی تشکیل بکنیم و رفع این شکایات بشود چون اینها يك شکایاتی است که مطابق قانون میکنند و حق دارند (صحیح است).

اگر ما بآنها جواب ندهیم ظلم کرده ایم در باره آنها (صحیح است) ملت ایران به کجا شکایت بکند، فرقه دموکرات یا هر فرقه دیگر وقتی باین مجلس شکایت میکند نظر اطاعت دارد ما باید بشکایتش رسیدگی بکنیم اگر حرفش حساب است هر چه که میگوید انجام بدهیم اگر حرفش ناحساب است جواب بدهیم (صحیح است) - حالا از شمال خارج و بناحیه جنوبی کشور وارد میشویم قریب دو سال است اهالی چهار محال عموماً و خوانین بختیاری خصوصاً از رفتار آقای مرتضی قلیخان صدصام و اولاد او که ان‌اشان شکایت میکنند (صحیح است) اینک عین نامه ای که اخیراً آقایان امیر مخم و سردار محتشم بمن نوشته اند قرائت میکنم:

۱۹ آبان ۱۳۲۴

جناب آقای دکتر مصدق لعاضده مجلس شورای ملی!

چون تلگرافات شکواییه رؤساء عشایر بختیاری بمرض جنابعالی رسید و در غالب جرابدنیز ملز عملیات آقای مرتضی قلیخان و عمال ایشان را در بختیاری و چهار محال ملاحظه فرموده اند بطور اختصار خلاصه وقایع و احوال نشان میارم، شك نیست که دریدر امر انتخاب آقای مرتضی قلیخان بعمومت بختیاری و چهار محال موجب رضای همه خوانین و اهل بختیاری بود ولی بدیخانه رویه نامطلوب ایشان و عمالشان در این مدت بقدری شدید بوده که بیچوجه قابل تحمل نیست در حقیقت از هیچ گونه جریبه و زجوری نسبت بایمل بختیاری که اکثر خوبشان و بستگان خوانین هستند فرو گذار نکرده اند چون ادامه این رویه ممکن است حوات دنا پستی بوجود آورد این است که بوسیله جنابعالی از نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و هیئت دولت تقاضا و استدعا داریم آقای مرتضی قلیخان را از کار برکنار و بطهران اعضار فرموده و برای کشف حقایق هیئتی مرکب از اشخاص صالح بازرسی عملیات ایشان و عدالشان بچهار محال و بختیاری اعزام فرمائید تصور میرود هر فردی در احقاق حق خود می تواند چنین درخواستی را از مجلس و دولت بنماید، بانظار نتیجه و اقدام هستیم.

با تقدیم احترامات فائقه

از طرف لطفعلی بختیار غلامحسین بختیار

خوب آقا و ضعیات جنگی اقتضا میکرد که آقای مرتضی قلیخان بایک اختیاراتی در بختیاری چهار محال حکومت بکند، امروز جنگ بین المللی تمام شده است، هیچ مجوز قانونی نیست که يك جماعتی راجت فشار و ظلم و استبداد ایشان بگذارند (صحیح است) چه مانعی هست که دولت يك آدم بیطرفی را که طرف اعتماد اهالی باشد بآنجا هارواته کند (صحیح است) که نسبت با اهالی يك رویه عادلانه داشته باشد، بنده واقعا هم صلاح نمیدانم که دولت و مجلس شورای ملی يك قسمت از مملکت را که هنوز ناامن نشده است آنجا را هم مجبور بکند که حزب دموکرات تشکیل بدهد (صحیح است) چرا مجلس شورای ملی و دولت نباید باین شکایات ترتیب اثر بدهند، اوضاع ادارات طوری است که هیچکس نمیتواند اعتماد کند که کاری در آنجا از روی صحت و درستی تمام شود از طریق انحصار بعضی اشخاص منافی میبرند که زندگی بر مردم این مملکت شاق و رقت باز شده است (صحیح است) هیچکس نمی تواند برای مریض خود بواسطه گرانی قیمت دارو تهیه کند (صحیح است) و انحصار دارو

بفتح بعضی اشخاص بصورتی که بود مانده است ، انحصار داروچرا بود ؟ برای اینکه يك اجناسی را تاجار خودشان نمیتوانند تهیه بکنند میبایستی کبته تدارکات آنها را تهیه بکنند دولت آنها را این مردم تقسیم بکند ، بعد آمدند صدی بیست بقیمت دارویی که وارد میشود بدون مجوز قانونی بدون تصویبنامه و قانون اضافه کردند این کار را کردند فقط برای استفاده و تأمین نظریه شخصی خودشان این وجه را گرفتند و تناول کردند (صحیح است) و الان هم دارند تناول میکنند و حاضر نیستند که از این انحصار صرفنظر بکنند برای اینکه دارو وقتی وارد این مملکت میشود بنوسط يك عده اشخاصی فروش میرسد که نظریات آن اشخاص تأمین میشود ، چه مانعی هست که این انحصار برداشته شود و مردم بتوانند آزادانه دارو وارد کنند و دارو هم بقیمت نازل می تمام شود ، امروز آقا يك نسخه داروخانه کمتر از سی تومان تهیه نمیشود (یکی از نمایندگان - شصت تومان ، هفتاد تومان) آقایان مردم در همه جا از این اوضاع شکایت دارند (صحیح است) و اگر این وضعیت تغییر نکند طغیان بسر علیه حکومت مرکزی در همه جا ظاهر میشود (صحیح است) آنروزی که آقای نضت وزیر میباید تمام مملکت را متجسس قلمداد کند معلوم نیست که دولت در کجا حکومت میکند (لنگرانی - در لندن) من بجزرت عرض میکنم که اگر ما عدالت را پیشه خود قرار دهیم و هر چه زودتر در اوضاع ناگوار خود اصلاحاتی کنیم وضعیت ما خیلی بهتر میشود، در هر کجا وقتی از دولت کاری پیشرفت نکرد مملکت را فدای دولت نمی کنند (صحیح است) دولت را روانه می کنند و دولت دیگری می آورند شاید از آن استفاده کنند و بر طبق مصالح مملکت اقدام شود (نمایندگان - صحیح است) با مردم آذربایجان که از مؤسسان بزرگ مشروطیت هستند و در وطن پرستی آنها تردید نیست نباید جنگ کرد ؟ (نمایندگان - صحیح است) عقیده من این است که باید با آنها داخل مذاکره شد و رفع شکایت نمود و آنها را مطیع هرگز کرد (صحیح است ، اجنت) آقای صدر قاضی هم به بنده مرقوم می فرمایند که اهالی مهاباد اشو . سلدوز در تهران سرگردان هستند و انحصار دختانیات بولشان را نمیبردازد.

استعفای حکیمی

بالاخره در شب اول بهمن ماه ۱۳۲۴ آقای حکیم الملک بواسطه عدم موفقیت در حل مشکلات کشور استعفای خود را به پیشگاه شاهنشاه تقدیم نمود و بدین ترتیب پس از سه ماه زمامداری کابینه دوم او سقوط نمود .

در جلسه اول بهمن ماه ۱۳۲۴ آقای سید محمد صادق طباطبائی رئیس مجلس بایانات مختصری استعفای حکیمی را بنمایندگان اعلام نمود و بلافاصله آقای دکتر - مصدق بیاناتی نمود که عین آن دریاگین از مجله مذاکرات مجلس شماره ۲۷۷ صفحه ۱۰۴۰ نقل میشود :

باستحضار خاطر محترم آقایان میرسانم که اعلیحضرت هایبونی امروز احضار فرموده بودند و اعلام فرمودند که آقای حکیمی نضت وزیر سابق دیشب استعفای خود را تقدیم کردند و مأمور فرمودند که با اطلاع آقایان برسانم که بنا مذاکراتی که لازم است فرمایند و نامزد نضت وزیری یعنی تنابیل را معین فرمایند و عرض هایبونی برسانیم

بیانات
رئیس مجلس

آقای دکتر مصدق گویا بیاناتی داشتند که میخواهند بفرمایند.

دویمه من در این دوره این بود که در اظهار تمایل نخست وزیر شرکت نکنم چون میفرمودم و نمیتوانستم اگر دولت کاری برخلاف نظریه من نمود در سقوط آن مؤثر واقع نشوم بدینی من نسبت بدولت صدر و اعتمادی که متجاوز از چهل سال بشخص جناب آقای حکیمی داشتم مرا وادار نمود که بایشان موقع اظهار تمایل رأی بدهم و موافقت کنم.

بیانات
دکتر مصدق

در اینکه جناب آقای حکیمی ذالنا شریف و امین و وطن پرست هستند کسی تردید ندارد (صحیح است) نهایت در این نوبت طرز تشکیل کابینه ایشان و پافشاری که علی رغم عدم موفقیت در حل مشکلات در قیام خود مینمودند من صلاح کشور نشخیص نمیدادم اکنون خوشبختانه خودشان متوجه مضار آن شده وطن پرستی ایشان را وادار نمود که این تصمیم را عملی نمایند (صحیح است) من اگر در بیانات خود در مجلس گاهی نسبت بایشان تند رفته ام برای این است که معتقدات خود را نمیدانم هکتوم بدارم و تازمانی که ثابت نشود در اشتباهم از هیچکس و از هیچ پیش آمدی ملاحظه ندارم از این موقع استفاده میکنم و بطور اختصار نظریات خود را در تشکیل دولت بعرض میرسانم.

بعقیده من زمامدار آینده باید با اکثریت قابل توجهی وارد کار شود (صحیح است) (فرموده با صد رأی) و آنکسی که فقط با اکثریت نصف به علاوه یک باید دچار مشکلات میشود (صحیح است)

موقع امروز مملکت اقتضاء دارد که زمامدار آینده مورد اعتماد جامعه و توجه تمام دستجات پارلمانی باشد (صحیح است) والا دچار مشکلات گردیده مساعی او نتیجه بخش نخواهد شد. زمامدار آتی باید سعی کند که اختلاف را با هموطنان آذربایجانی مرتفع کند و در سیاست خارجی نظر من این است که روابط ما با همسایگان حتی المقدور بوسیله مذاکرات مستقیم اصلاح و تشدید شود (صحیح است) و تعزیر امر در سازمان ملل مشق باید بعد از بآس از مذاکرات مستقیم و با اصطلاح آخر الدواء باشد.

امیدوارم که آقایان محترم و شعیب تاریک کشور را از نظر دور نکنند و مرا بهی من توجه و هر چه زودتر تمایل خود را اظهار کنند و مملکت را دچار بحران ننمایند (صحیح است).



آنهائی که از نقشه های سیاسی بی اطلاعند قضایا را سطحی قضاوت میکنند و به عمق مسائل پی نمیرند آقای حکیمی مثل بسیاری از رجال دخالت و ادامه در کار را از وظایف اولیه خود میدانند و برای نیل به مقصود از همکاری با اشخاص بی مسلک و خلاف کار امتناع ندارند نظری باعضای دولتهای ایشان در مجلس ۱۴ و ۱۵ این مطلب را بخوبی ثابت میکند.

کابینه دوم ایشان در مجلس چهاردهم با مخالفت شدید سیاست شمالی مواجه شد و سیاست مزبور در آن وقت بقدری موثر بود که رقبای او هم نمیخواستند مبارزه کنند و وقایع بعد نشان داد که برای انتهاز فرصت امرار وقت کرده اند مثل اینکه جلوگیری از رفتن نظامیان ایران بصفحات شمالی مملکت مورد اعتراض شدید هیچیک از سیاست های دیگر واقع نشد و انتخابات مملکت هم بواسطه افزودن سیاسی شمالی تحریم و بموقعی محول گردید که نه تنها ارتش اتحاد جماهیر شوروی در ایران نباشد بلکه آن درجه محبوسیت هم که بعد از پیشتهاد امتیاز نفت برای آن دولت باقی مانده بود بواسطه وقایع بعدی از بین برود و در انتخابات طوری شکست بخورد که از حزب توده بکنفر هم نتواند وارد مجلس شود.

خواتندگان محترم باین چند سطر درست توجه خواهند فرمود: تمایل مستمر هیئت حاکمه مملکت ب سیاست جنوب و مخالفت دربار با اقوام السلطنه سبب شد که حکیمی را در مسکو نپذیرند و نمایندگان دولت شوروی چنین اظهار کنند که فقط با اقوام السلطنه میتوانند باب مذاکرات را مفتوح کنند و بر چون در موقع رای تمایل هم نمایندگان تمایل ب سیاست جنوب از رای دادن بقوام خودداری کردند این عمل سبب شد که نامبرده بیشتر مورد اعتماد و توجه دولت شوروی واقع شود و دولت خود را با داشتن چنین پشتیبانی تشکیل دهد و بدین ملاحظه از مردم اصول قانون اساسی را پایمال و مجلس پانزده را باین عنوان که اگر از نمایندگان واقعی ملت کسی در آن باشد قرار داد شرکت نفت ایران و شوروی تصویب نمیشود از اشخاصی تشکیل دهد که با نتیجه سیاست يك طرفی که بعد از شهریور ۱۳۲۰ ظاهر از بین رفته بود مجددا برقرار شود و بسیار جای تاسف است که قوام السلطنه از دور و طولانی فترت که همه گونه آزادی عمل داشت و میتوانست در نفع کشور کارهای بزرگی نموده و نام خود را در دفتر رجال تاریخی ثبت کند استفاده ننمود و کاری برای جامعه نکرد و برعکس بواسطه سوء استفاده از آن موضع مملکت سیر قهقرائی پیدا نمود و نتایج سوئی حاصل شد که چون برخواستگان ارجمند پوشیده نیست از توضیح آن خودداری مینمائیم.

متن برنامه

کابینه دوم حکیمی

در ختام این فصل برای تکمیل مطلب متن برنامه کابینه دوم آقای حکیم الملک

را که در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۲۴ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده نقل مینماییم :

۱ - در سیاست خارجی دولت ایران همواره از صمیم قلب آرزومند است که دوستی و قرارداد صادقانه ایران با دولتهای دوست و متحد ما روزافزون باشد و در این راه دولت ایران هر چه بتواند خواهد کرد تا علائق مودت از هر جهت محکم شود. دولت اینجانب همه گونه مساعی بکار خواهد برد که مناسبات و روابط حسته فیما بین از هر گونه شائبه مضمون و محفوظ باشد و همچنین مراقبت خواهد نمود تا تعهداتی که دولت ایران طبق منشور ملل متحد نموده است اجرا گردد.

۲ - برای تأمین امنیت کامل در سراسر کشور قوای تأمینیه مملکت باید اصلاح و تکمیل شود و وسایل و اوزام و خصوصیات آن به تناسب حوائج مملکت و عواید عمومی دولت و تجهیزات جدید تعیین گردد.

۳ - تعدیل بودجه و تجدید نظر در مالیاتها و مطالعه فوری در امور اقتصادی برای استقرار اصول و تشکیلاتیکه متناسب با اوضاع اقتصادی فعلی مملکت باشد و گذران مردم را آسان کند در صدر اصلاحاتی جا دارد که دولت آنرا از اهم وظایف خود میسازد و در این زمینه اصلاح و تصفیه ادارات و تجدید نظر در قانون استخدام دولتی و تقدیم لوابیحی که متضمن اصلاحات صنعتی و فلاختی و ایجاد سد و آبیاری و تهیه کار برای بیکاران و بهبودی حال بزرگتر و کارگر باشد مورد توجه دقیق و اقدام جدی دولت خواهد بود و مخصوصاً مساعی دولت مصروف اتخاذ تصمیمات و تهیه لوابیح جامع الاطراف خواهد شد که در نتیجه اجرای آنها بزرگتر خود صاحب آب و زمین باشد و خرده مالکی در مملکت پیش از پیش رواج یابد و در هر نقطه که لازم باشد در معاملات و مناسبات زارع و مالک تجدید نظر بعمل آید و وسایل اجرای قانون تعلیمات اجباری فراهم شود.

۴ - اجرای سازمان جدید وزارت بهداری پس از تصویب کمیسیون بهداری مجلس شورای ملی و تنظیم برنامه چند ساله برای اصلاح بهداشت کشور

۵ - تجدید نظر در قانون تشکیلات مملکتی و تصریح وظایف استانداران و فرمانداران و سایر مأمورین وزارت کشور.

۶ - يك وظیفه مهم دیگری که دولت اینجانب بر عهده خود میداند شروع انتخابات دوره پانزدهم تقنینیه است در موقعی که اخیراً مجلس شورای ملی مقرر نموده است و انجام آن در اسرع اوقات و بشو بیکه کاملاً آزاد و بر طبق موازین مشروطیت از هر گونه مداخله و نفوذ و اقدامات خلاف قانون مضمون باشد ضمناً دولت اهتمام خواهد کرد در قانون انتخابات فعلی مجلس شورای ملی قبل از انقضاء دوره چهاردهم تقنینیه تجدید نظر بعمل آید.

۷ - توسعه و تکمیل خطوط راه آهن و اسفالت نمودن راههای شوسه نیز مورد عمل قرار خواهد گرفت.

اعضای کابینه دوم حکیم الملک



از راست بچپ : آقایان هزبر وزیر دارائی - آقای نجم الملک وزیر خارجہ - فقیم الملک وزیر کشور -
 رہنما وزیر فرہنگ - نعمان الملک وزیر بہداری - حکیم الملک نخست وزیر - کمال ہدایت وزیر مشاور -
 اردلان وزیر دادگستری - ریاضی وزیر جنگ - اللہ یار صالح وزیر مشاور - احمد حسین عدل وزیر کشاورزی
 آقایان سرلشکر فیروز وزیر راہ و معمود لریمان وزیر پست و ٹلگراف و ہاشم سہاوی وزیر پست و ہنر
 این کابینہ در این عکس دیدہ نمیشوند.



کمیسیون سه جانبه

یا

هشده شوم قیامت ایران

در دیماه ۱۳۲۴ یعنی درست همان ایامی که تازه پیشه وری و طرفدارانش با استفاده از اوساع ناگوار داخلی و سیاست خارجی رابطه آذربایجان را با مرکز قطع کرده بودند کنفرانس وزرای خارجه سه دولت برای مذاکره و حل مسائل ناشیه از جنگ در مسکو تشکیل گردید. مردم روشنفکر این مملکت تصور مینمودند در این کنفرانس راجع بکشور ایران و اقامت قوای خارجی و قضیه اسف انگیز آذربایجان مذاکرانی

نگرانی از:
کنفرانس مسکو



کنفرانس مسکو - وزیر خارجه سه دولت
از راست بچپ: برلس - مولوتوف - اوین

خواهد شد و مخصوصاً نگران بودند از اینکه در کنفرانس نسبت بایران تصمیماتی اتخاذ کنند که به تعامیت و استقلال ایران لطمه وارد کند و برای این نگرانی فرائشی هم وجود داشت

زیرا از يك طرف تقاضاهای مکرر دولت حکیمی نسبت به حضور نماینده ایران برای شرکت در مذاکرانی که راجع به کشور ما در کنفرانس بعمل میآمد مورد

• ایقمت باید در جزو مطالب فصل ساق (کابینه دوم حکیمی) درج گردد ولی بواسطه اهمیت موضوع آنرا فصل مستقلی قرار دادیم.

قبول واقع نشد و از طرف دیگر سفرای انگلستان و آمریکا در تهران از طرف دولت خود بمسکو مامور شدند و این امر نشان میداد که راجع بایران هم مذاکراتی میشود که دول نامبرده حضور نمایندگان سیاسی خود را در کنفرانس مزبور لازم شمرده اند. مخصوصاً اینکه در همین اوان یعنی مقارن تشکیل کنفرانس رادیوی لندن که نسبت به وقایع آذربایجان همیشه اظهار بدبینی میکرد لحن خود را تغییر داده و از فساد دستگاه حکومت ایران مخصوصاً از عدم توجه به رایض و شکایات اهالی آذربایجان و بسورد بودن قسمت اعظم اعتراضات دموکراتها سخن میگفت^(۱) و باین جهت مردم این مملکت بایبصری تمام منتظر خاتمه کار کنفرانس بودند.

تا اینکه رادیو لندن خیر ذیل را در یازدهم دیماه ۲۴ منتشر نمود:

« از تهران خبر میرسد که سرریدر بولارد سفیر انگلیس و مستر
 رادیو لندن «والاس مری سفیر کبیر آمریکا در تهران بدولت ایران»
 «پیشنهاد نموده اند که با تشکیل یک کمیته سه نفری که از»
 «نمایندگان شوروی و انگلستان و آمریکا تشکیل شده موافقت نمایند تا اوضاع»
 «ایران را بطور عموم و اوضاع آذربایجان را بطور خصوص مورد بررسی قرار»
 «دهند. دو سفیر کبیر مزبور در این باره با اعلیحضرت شاهنشاه ایران محضرضا»
 «شاه نیز مذاکراتی نموده اند و این پیشنهاد را به معظم له هم تقدیم کرده اند»
 «دولت ایران هنوز جواب موافقی باین پیشنهاد نداده است و شاید بخواهد»
 «قبل از موافقت با این پیشنهاد آنرا بیجلس شورای عالی عرضه کند - در معاضد»
 «لندن اظهار میشود که دولت انگلستان در باب تشکیل یک کمیته سه نفری برای»
 «بررسی اوضاع ایران هنوز برای سابق خود درباره تشکیل چنین کمیته ای باقی است»

۱ - روزنامه کیهان در این باره در شماره ۸۴۱ مورخ اول دیماه ۲۴ چنین نوشت:
 «... رادیو لندن که از آغاز قائله آذربایجان هواره دموکراتها را «عناصر ماجرا»
 جو و بیگانه و شورشی و ...» میخواند از شب آدینه ناگهان لحن خویش را نسبت به
 حوادث آذربایجان تغییر داد بدین قرار که پس از آنکه در سرویس فارسی خود قسمت مهمی
 از نطق آقای دکتر مصدق را نقل کرد در همان سرویس و سپس در سرویس اخبار انگلیسی
 خود سخنان دکتر مصدق را راجع به فساد دستگاه حکومت ایران و مخصوصاً عدم توجه
 به رایض اهالی آذربایجان و بسورد بودن قسمت اعظم اعتراضات دموکراتها تأیید نمود و
 برای آنکه حقیقت «بیانات پرمفز و تاریخی» نماینده اول تهران را بگوش ساکنین جهان
 برساند چنین استدلال کرد: «سخنان دکتر مصدق از آنجا درخور اهمیت و توجه کامل است
 که وی همان نماینده ایست که چندی پیش در پارلمان ایران طرحی را بتصویب رسانید که
 دولت ایران بویچوجه حق ندارد با هیچیک از کشورهای بیگانه راجع به موضوع اعطای
 امتیاز نفت داخل مذاکره شود» یعنی اینکه سخنان دکتر مصدق از روی نهایت بیفرضی
 ایراد گردیده و حقیقت معض است ...»

«وبایانکه دولت شوروی در کنفرانس مسکو در آغاز کار با این پیشنهاد موافقت کرد آخر سر آنرا رد کرد دولت انگلستان هنوز برای خودبایانی است»



مستر والاس فری
سفیر کبیر امریکا



سر رابردر هولارد
وزیر مختار انگلیس

وصول این خبر پرده از روی حقایق برداشت و معلوم گشت مردم بیجهت تکران کنفرانس مسکو

نبودند و در آنجا

خواهشهایی برای ما

دیده اند و نقشه های

شومی طرح و ترسیم

کرده اند اما تعجب

این جلست که دولت

حکیمی نمیخواست

از این نقشه شوم مجلس

و مردم را مطلع کند

و بانهایت استار در

هیئت وزیران در آن بحث میکرد.

حال به بنیم مجلس ۱۴ و نمایندگان دلسوزان بعد از اطلاع باین موضوع

که باحیات ایران بستگی داشت چه عملی نمودند. اطلاعاتیکه ما در این باره از منابع

موثق کسب کرده ایم چنین است:

پس از علنی شدن جریانات پشت پرده بعضی از نمایندگان

مجلس ۱۴ وظیفه خود دانستند که کمیسیون خارجه مجلس را

تشکیل دهند و از وزیر خارجه دعوت کنند که قضیه در کمیسیون

مطرح و علنی شود لذا بر حسب تقاضای آقای دکتر زنگنه

نماینده کرمانشاه کمیسیون خارجه مجلس تشکیل گردید ولی آقای نجم الملک

وزیر خارجه پیش از آنچه در رادیوی لندن منتشر شده بود اطلاعی نداد.

باینجهت عده از نمایندگان لازم دانستند مراسله ای با آقای

نخست وزیر نوشته و او را بعواقب شوم کمیته پیشنهادی دولتی

متوجه نمایند: اکنون متن مراسله:

در کمیسیون
خارجه مجلس

مراسله
نخست وزیر

جناب آقای حکیمی نخست وزیر!

عطف بشا بهات منتشره در این چند روز اخیر بدین وسیله اعضاء کنندگان زیر صریحاً اعلام میداریم که دولت حق اخذ هیچگونه تصدیقی که جز ثناً یا کلاً مستقیماً یا غیر مستقیماً دخالت يك با چند دولت خارجی را در امور داخلی ایران تصریحاً یا تلویحاً ایجاد نماید ندارد و هرگونه موافقتی در این امور بدون تصویب مجلس شورای ملی خالی از اعتبار و خارج از وظایف و اختیارات دولت است.

امضا کنندگان: نیموری - دکتر فلسفی - صادقی - فرمان - فرمانبازان - ذکائی - مهندس فریور - رحیمیان - صدرقاضی - حبیب الله دری - فرزند - تهرانچی - شهاب فردوسی - تیمورتاش - پروین گنابادی - فداکار - گرگانی - دکتر محمد مصدق.

چون اعضاء کنندگان این نامه میدانستند که کمیته سه جانبه در جلسه
یعنی دخالت دولت‌های خارجی در امور ما، کمیته سه جانبه
وزارت خارجه یعنی قیومت ایران و قطعه قطعه کردن کشور و محو استقلال
و تمامیت مملکت به عبارت دیگر اجرای قرارداد منحوس ۱۹۰۷



با ۱۹۱۹ بصورت تازد لذا بنین
مراسله تئاتر نکر دادود کتر مصدق
توزیر است مجلس شورای ملی نقاضاً
نمود که جلسه ای در مجلس مرکب
از ۲۰ نفر از نمایندگان و آقای -
نخست وزیر برای بحث در موضوع
کمیسیون سه جانبه تشکیل شود
که بر حسب تقاضای نخست وزیر

آقای نجم الملک وزیر امور خارجه
جلسه مزبور در وزارت خارجه تحت ریاست خودشان با حضور آقای نجم وزیر

خارجی تشکیل گردید و پس از آنکه آقای وزیر امور خارجه باز حاضر بدادن هیچگونه اطلاعات و اظهار عقیده نشدند آقای نخست وزیر متن فارسی پیشنهاد را که نمایندگان انگلیس و امریکا امضاء نکرده بودند و در آن اصلاحاتی^(۱) شده بود از جیب خود خارج و باستحضار حضار رسانید و در جواب نمایندگان حاضر در جلسه که با پیشنهاد دولتین موافقتی نداشتند اظهار نمودند من مخالفم و در جواب سؤال دیگر مصدق در صورتی که مخالفید چگونه پیشنهاد اصلاحی داده اید و اگر دولتین پیشنهاد کتبه با اصلاحات شما موافقت کنند چگونه میتوانی اظهار مخالفت نماید پس خوبست شما استعفا بدهید و این مخالفت را دولتی که بعد از شما میاید بنمایند چنین جواب میدهد: «هر وقت شما از نمایندگی مجلس استعفا نمودید منم از نخست وزیری استعفا خواهم داد»

برای طرح موضوع در جلسه علنی مجلس



آقای سرلشکر فیروز وزیر راه
مخالف کمیسیون سه جانبه

معروف است که بعضی از وزرای دولت حکیمی از قبیل آقایان محمود نریمان و سرلشکر محمد حسین میرزا فیروز و اللهیار صالح هم با پیشنهاد کمیسیون سه نفری موافقت نمودند و چون از این جلسه پیش از این تمیض نتیجه گرفت و چنانچه

(۱) یکی از اصلاحات دولت این بود که دو نفر هم بنمایندگی ایران در کمیسیون عضویت پیدا کنند که هر گاه این کمیته را با کمیسیون پنج نفری معروف به «کمیسیون مختلط» که در جنگ بین المللی اول بنا به تقاضای دولت انگلیس و دولت روسیه تزاری تشکیل شد در جلد اول این کتاب صفحه ۱۹۵ از آن یاد شده مقایسه کنیم باین نتیجه میرسیم که صلاحیت کمیسیون مختلط فقط این بود که با امور مالی ملکیت نظارت کند در صورتی که دخالت کمیسیون سه نفری در امور ایران طبق مواد ۱۱ گانه پیشنهادی بدولت نامحدود بود و چنانچه اصلاحات دولت حکیمی مورد قبول دولتین واقع میشد در این کمیسیون دولت ایران فقط واجد دو نفر نماینده میگردد در صورتی که در کمیسیون مختلط دولتین روس تزاری و انگلیس، دولت ایران سه نفر نماینده داشت که اکثریت با نمایندگان ایران بود و دولتین میخواهند اینطور وانمود کنند و مردم بفهمانند که دولت ایران در کمیسیون اکثریت دارد و نمایندگان روسیه تزاری و انگلیس تابع تصمیم دولت ایرانند در صورتیکه مطلب غی-براز این بود دولت نمیتوانست کسی را که تبعیت از اینها نیکرد بشایندگی خود معرفی کند و همگذا دو نفر نماینده ای که دولت حکیمی پیشنهاد کرده بود.

دولت حکیمی استعفا میکرد ممکن بود دولت دیگری روی کار آید که تمام اعضای آن بایستهاد در اولین موافقت کنند نماینده اول تهران میخواست که موضوع در مجلس شورای ملی مطرح شود وعده زیادی از نمایندگان که موافق با تشکیل این کمیسیون نبودند

در مجلس اظهار مخالفت کنند تا فکر تشکیل این قبیل کمیته ها در این مملکت بکلی عقیم شود و نظر باینکه یکشنبه شانزدهم و سهشنبه



آقای صالح وزیر کشور
آقای ناریهان وزیر پست و تلگراف
مخالفین دیگر کمیسیون سه جانی در کابینه حکیمی

هیجدهم که روزهای جلسه رسمی مجلس بود جلسات مجلس تشکیل نشد (۱) لذا نماینده اول تهران عصر سه شنبه هیجدهم بیانیه ذیل را منتشر نمود.

(۱) عنوان ظاهری تعطیل مجلس در شانزدهم دیماه فوت مرحوم حاج سید محمد امام جمعه تهران بود که عده ای از نمایندگان بعنوان تشییع جنازه در مجلس حاضر نشدند و در هیجدهم دیماه تصمیمی بود که چند روز قبل از آن هیئت رئیسه مجلس اتخاذ کرده بود که هر گاه رئیس و یا نواب رئیس در جلسه حاضر شدند و در ظرف یکساعت حد تصاب برای مذاکرات حاصل نشد جلسه تعطیل و اسامی دیر آمدگان برای عبرت سایر نمایندگان منتشر شود که این تصمیم فقط یک مرتبه آنهم در این جلسه بموقع اجرا رسید.

بیانیه دکتر مصدق

«ای مردم، ای کسانی که من نمایندگی شما را قبول کرده و میخواهم برای شما «جان فشانی کنم بدانید و آگاه باشید که دو جله است میخواهم نظریات خود را در «خصوص عملیات سیاسی و اقتصادی این دولت که میخواهد شما را باسارت «دیگانتگان قرار دهد در مجلس بیاناتی کنم برای اینکه اظهاراتی نشود مجلس «شورای ملی تعطیل شده است - دکتر محمد مصدق (۱)»

جله فوق العاده مجلس

و نطق نماینده اول تهران

بیانیه بالا بقدری مؤثر واقع شد که چهارشنبه نوزدهم دیماه یعنی يك شب بعد از انتشار آن مجلس شورای ملی بطور فوق العاده تشکیل گردید و دکتر مصدق نطق ذیل را که از شماره ۲۶۷ مذاکرات مجلس صفحه ۹۸۸ نقل میشود ایراد کرد؛ اینک متن نطق :

دکتر مصدق - یازدهم دیماه رادیو لندن اخبار ذیل را منتشر نمود :

«از تهران خبر میرسد که سرریسر بولارد سفیر کبیر انگلستان و مستر والاس مری سفیر کبیر آمریکا در تهران بدولت ایران پیشنهاد کرده اند که با تشکیل يك کمیته سه نفری که از نمایندگان شوروی - انگلستان - آمریکا تشکیل شده موافقت نماید تا اوضاع ایران را بطور عموم و اوضاع آذربایجان را بطور خصوصی مورد بررسی قرار دهند - دو سفیر کبیر مزبور در این باره با اعلیحضرت شاهنشاه ایران محمدرضا شاه نیز مذاکراتی نموده اند و این پیشنهاد را بمعظم له هم تقدیم کرده اند؛ دولت ایران هنوز جواب موافقی باین پیشنهاد نداده است و شاید بخواهد قبل از موافقت با این پیشنهاد آن را بمجلس شورای ملی عرضه کند، در محافل لندن اظهار میشود که دولت انگلستان درباره تشکیل يك کمیته سه نفری برای

(۱) - نقل از شماره ۵۹۶ روزنامه کیهان

(۵۵) در همین روز وزارت خارجه این بیانیه را منتشر نمود :

«راجع به کمیسیون سه نفری یا پنج نفری ایران و متفقین مطالبی در بعضی از «این روزنامه ها انتشار یافته که مطابق با واقع نیست حقیقت امر اینست که چند روز است برای «روشن شدن این موضوع مذاکراتی در بین است و بدیهی است دولت برخلاف مصلحت کشور و «مخالف قانون اساسی و قوانین مشروطیت ایران اقدامی نخواهد کرد و یا هیچگاه بدون اطلاع «مجلس شورای ملی تمسبی اتخاذ نخواهد نمود و هر وقت مذاکراتی که فعلا برای روشن نمودن «مطلب در میان است بجائی برسد موضوع مفصلا باستحضار هم میبندان گسرامی خواهد رسید . «وزارت امور خارجه»

این بیانیه جوابی است که وزارت خارجه بطور مستقیم بنامه مورخ یازدهم دیماه ۱۳۲۴ نمایندگان مجلس شورای ملی داده که از نظر قارئین محترم گذشت . خوانندگان عزیز ملاحظه میفرمایند که وزارت خارجه اصلاح خود را راجع به اینکه در کمیسیون دو نفر نماینده هم از ایران باشند شاهکار بزرگی دانسته و چون اطمینان نداشت که دولتین انگلیس و آمریکا با آن موافقت کنند بطور تردید کمیسیون سه نفری یا پنج نفری نوشته است .

بررسی اوضاع ایران هنوز برای سابق خود در باره تشکیل چنین کتبه ای باقی است و با اینکه دولت شوروی در کنفرانس مسکو در آغاز کار با این پیشنهاد موافقت کرد و آخر سر آنرا رد نمود دولت انگلستان هنوز برای خودبانی است « انتشار این اخبار مراوادر نمود که نسبت به پیشنهادی که سفرای کبار نموده اند عقاید خود را واضح و روشن عرض کنم - ملت ایران باید اخبار مربوط سیاست مملکت را از رادیوی بیگما بشنود (صحیح است) ولی وزارت خارجه نقشه های شومی که بر علیه مصالح و استقلال ایران ترسیم شده حتی از نمایندگان مجلس مکتوم کند (صحیح است) تا پریشب من از مضمون پیشنهادی که رادیو لندن خبر داده مطلع نشدم و پس از استحضار گفتم صدرحمت به قرارداد و توثیق الدوله (صحیح است) زیرا قرارداد مزبور ایران را تحت ولایت انگلیس می گذاشت و اگر به ولای علیه روزی کمک میرسد میتواند آزاد شود، پشتیبانی دولت آمریکا بعد از قرارداد از ایران و انعقاد قرارداد ۱۳۰۰ بین دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی سبب شد که ملت ایران تقویت شود و انگلیس نفوذ خود را بطور دیگری که مقدمه آن کودتا و بعد بشکل دولت دیکتاتوری بود اعمال کند (صحیح است) ولی این پیشنهاد قرارداد ۱۹۰۷ را بصورت دیگر تجدید می نماید (صحیح است) در اطراف این پیشنهاد شایعات بسیاری بود و هر کس راجع بآن چیز میگفت و نظریاتی اظهار میکرد و من هر چه خواستم در کمیسیون خارجه آقای نجم بطور صریح اظهاراتی کند نمود و بطور مبهم جواب داد؛ بنا بر این با آقای نخست وزیر داخل مذاکره شده و بین ما توافق حاصل شد که عده ای از نمایندگان دستجات مختلف در یک جا حاضر شوند و راجع باینک و بید پیشنهاد مذاکره نمایند، جلسه در وزارت خارجه تشکیل شد، آقای نخست وزیر اظهار نموده که آقایان بفرمایند چه میخواهند در جواب اینطور گفته شد که قبلاً لازمست دولت جریان را گزارش دهد تا حضار آنرا متن قراردسته و در حواشی آن نظریات خود را اظهار نمایند بالاخره آقای نخست وزیر دو برگ که روی آن ماده تنظیم شده بود به حضار ارائه نمودند و چون باسم سه دولت داده شده که یکی مخالف است قهرراً امضا نداشت و با اینکه اوراق مزبور را نمایندگان سیاسی دو دولت بو وزارت خارجه بکنولتی داده اند آقای نجم وزیر خارجه میگفتند اینها برگهائی است غیر رسمی که نه امضاء دارد و نه شماره و تاریخ آن معلوم نیست و خلاصه اینکه هیچ است و هیچ و چون انتشار آن دولت را در افکار عامه مفضح میکرد قائل بود که این برگه های پلاتر جز و اسرار اداری است و نباید منتشر شود و از بعضی اخبار که روزنامه ها راجع بآن اوراق منتشر منتشر کرده بودند بسیار عصبانی بود و راضی شد که نمایندگان از آن رونوشتی بردارند و روز قیل هم که باز کمیسیون خارجه تشکیل شد و اعضاء امرار داشتند که اوراق مزبور را ببینند آنها را ارائه نمود و خودداری کرد. پیشنهاد شامل ۱۱ ماده است که بسیار کشدار و هر یک از آنها مربوط ببطال مبهمی است، مثلاً در بند ششم میگوید:

« کمیسیون اصلاحاتی را که مخصوصاً در انتخاب انجمنهای محلی و وظایف آنان و

تدارکات وجه بنظر لازم میرسد توصیه خواهد نمود ...»

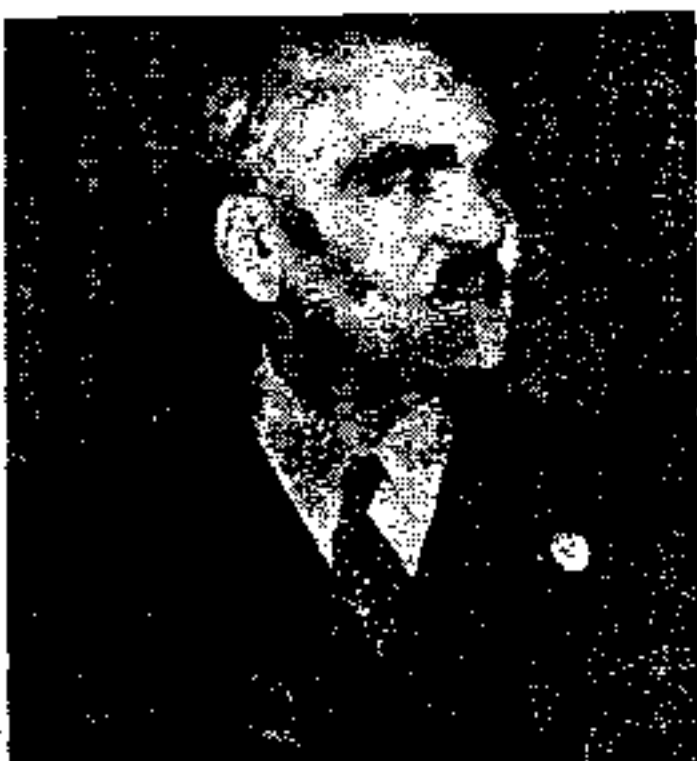
در بند هفتم میگوید: « کمیسیون توصیه هائی در باب استعمال زبان های اقلیت از قبیل عربی و ترکی و کردی جهت تعلیمات و منظوره های دیگر خواهد نمود » (یکی از نمایندگان - با تنها چه مربوط است؟؟) بند ۹ از این قرار است: « سه دولت مساعی کامل بکار خواهند برد که دولت ایران را متقاعد سازند توصیه هائی را که از طرف کمیسیون بعمل می آید بصورت

قانونی در آورده... آقایان نمایندگان محترم! خوب است که ملاحظه فرمودید دکتور میلیسپو که مستخدم ایران بود و ما بتوانیم بوسیله نسخ قانون استخدام او مشارالیه را مرخص کنیم انفصال او از کار برای ما چقدر تولید مشکلات نمود. وای بوفتیکه اختیار قانون گذاری مملکت تحت نفوذ و اختیار سه دولت واقع شود، کدام وزیر خارجه باهوشی است که برای چنین دولتی قائل با استقلال شود، (همیشه نمایندگان - صدای پرنگ) اگر این پیشنهاد خوبست و باین که دولت در خوبی آن مردود است چرا آنرا منتشر نکرد تا صاحبان حق یعنی افراد ملت بتوانند در مقدرات خود نظریاتی اظهار کنند و دولت هراقده می که میکند روی فاسکو و مصالح ملت باشد و اگر بد است چرا وارد مذاکره شد و آنرا همان روز اول رد نکرد (صحیح است) نظریات من این بود که بین دولت راجع به طرز اداره نمودن قسمتی از مملکت بایک عده از اهالی آنجا اختلاف حاصل شده است. قبلاً باید با اهالی محل داخل مذاکره شد شاید اختلاف را بتوان با خود آنها حل کرد (صحیح است) و چنانچه باین طریق نتیجه نداد با دولت اتحاد جماهیر شوروی مذاکره کنیم که مانع مرتفع و اختلاف حل شود (صحیح است). بنابراین صلاح نیست که دولت انگلیس و امریکا بنام سه دولت با ما داخل مذاکره شوند در سایر نقاط ایرانهم که ماهیچوقت اختلافی نداشته ایم ایجاد اختلاف کنند (صحیح است) بنده توضیحاً عرض میکنم فرض کنیم ما در یک قسمت از خاک این مملکت اختلافی داریم آیاتا کنون هیچکس شنیده که مادر قسمتهای دیگر هم اختلافی داشته باشیم (نمایندگان - ابداً) کی حرفی اظهار کرد؟ کی سخنی گفت؟... این مجلس شورای ملی، این اکثریت، خود نخست وزیر آمد در این مجلس مطالبی که اظهار کرد تمام بر علیه تشکیلات شمالی بود؛ حالا چطور نخست وزیر میخواهد پیشنهادی را تحت مطالبه قرار دهد که در تمام مملکت همچو اختلافی ایجاد شود (صحیح است) (اردلان - هیچکس راجع بزبان کردی حرفی نزده چطور چنین حرفی میزنند، من نمایندم کردستانم بیزارم از این حرفها) ما باید این اوراق را رد کنیم و بهیچوجه حاضر نشویم در آن مذاکره نماییم (صحیح است) اظهار نخست وزیر این بود که دولت شوروی بیهانه یعنی چیزها با ما داخل مذاکره نمیشود و من آنرا قبول نموده زیرا دولت شوروی میخواهد در این مملکت دولت دیگری بر او ترجیح داده نشود و این همان موازقه سیاسی است که یک قرن وزراء با ایمان ما بآن عمل نموده اند دولت شوروی میخواهد که با ما روابط مستقیم داشته باشد نه اینکه دولت دیگری خود را قیم ما معرفی کند و دولت شوروی مجبور شود که با قیم ما مذاکره نماید، اگر نظریه دولت شوروی بحال ما مفید است چرا با دولت اتحاد جماهیر اتحاد شوروی داخل مذاکره نشده و باب مذاکرات را با دولت انگلیس و امریکا مفتوح نموده اند و اگر نیست دولت حاضر شود و دلایل خود را در مجلس اظهار نماید، اگر اساس صلح عالم این قبیل پیشنهادات بشود چنانکه در آتیه قائم مقام صلح خواهد بود - از اینکه دولت اتحاد جماهیر شوروی باین پیشنهاد موافقت نموده ملت ایران سپاسگزار است و آن روزیکه سه دولت با هم مشق شوند کار ما تمام است (طهرانچی - دولت چرا از این اختلاف استفاده نمیکند؟) ملت ایران انتظار داشت که دولت بزرگ دموکرات آنرا در اجرای قانون اساسی و استفاده کامل از حکومت دموکراسی کمک و تقویت کنند (صحیح است) نه اینکه خود پیشنهادی کنند استقلال ایران را که تضییع کرده اند بخواهند تقض کنند (صحیح است) راجع باینکه رادبو لندن میگوید: «دولت ایران هنوز جواب موافقی باین پیشنهاد نداده است و شاید بخواهد

قبل از موافقت با این پیشنهاد آنرا بمجلس شورای ملی عرضه کند « عرض میکنم کلمه «شاید» که در این خبر دیده میشود بی مورد است زیرا هیچ دولتی نمیتواند در این قبیل امور که حیات سیاسی مملکت را قطع و استقلال آنرا بیاد میدهد (این چند جمله را با صدای گرفته و بغض و تأثر بیان نمودند) قبل از عرضه بمجلس موافقت بکنند و هر دولت وطن پرستی باید بدون مطالعه این قبیل پیشنهادات را که در عمر سیاسی مثل کمتر دیده میشود رد کند (صحیح است) خصوصاً اینکه در پیشنهاد از سه دولت اسم برده شده و باظهار زادیولندن یکی از آنها مخالف و پیشنهاد کننده دو دولت است. ما با دولت صدر مخالفت کردیم، برای این که جنبه بیطرفی نداشت (صحیح است) ولی افسوس که این دولت از آن بیشتر با طرفی است (صحیح است). همه میدانند که دادور استاندار استان سیم برای اینکه در منافع دولت شوروی

پیشنهاد امتیاز نفت داده بود دولت او را از تبریز احضار و از خدمت منفصل کرد و بعنوان اینکه در يك معامله ای بشهرداری تبریز چندین هزار تومان ضرر رسانیده بسود یکی از نمایندگان در مجلس اظهار نمود که باید تعقیب حزائی شود ولی آقای قتی زاده که امتیاز داری را ۴۴ سال تمدید نمود و يك میلیارد و شصت میلیون تومان ضرر به ملت ایران وارد کرد امروز سیاست دولت دست او است (صحیح است) و در سازمان ملل متة بر آس نمایندگان ایران واقع شده است (صحیح است) و سهیلی را هم که پنج اعلام جرم در این مجلس بر علیه او داده شد میخواهد وارد هیئت نمایندگی ایران کند و با يك تیر دو نشان بزند یکی اینکه يك همفکر بیشتر پیدا کند و دیگر اینکه هم فکر متهم خود را طیب و ظاهر نماید این است که عرض میکنم :
« رحمة الله على نياش الاول »

من برای صلاح و توابع ملت ایران از آقای حکیمی خواهش میکنم بیش از این وقت مملکت را ضایع نکند (صحیح است) فوراً از کار کنار مجوئی کنند (صحیح است) زیرا امروز دولتی



آقای قتی زاده رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد



آقای سهیلی عضو هیئت نمایندگی

است که در بیطرفی او هیچیک از همسایگان تردید نکنند و قادر باشد که برای مشکلاتی که ملکیت دچار آن شده راه حلی پیدا کند (صحیح است) و اگر راه حلی پیدا نشد تا سازمان ملل متفق در لندن هست چاره جوئی کنند (صحیح است).

بعد از خوانده نطق دکتر مصدق آقای هژیر وزیر دارائی پشت

پاسخ آقای هژیر تریبون رفته چنین گفت :

وزیر دارائی « بنده تصدیق زیادی ندارم فقط نسبت به فرمایشات آقای دکتر مصدق درباره سیاست خارجی آنچه فرمودند بطور خلاصه جواب عرض میکنم که دولت هیچگونه تصمیمی ندارد بدون رعایت نظر مجلس شورای ملی هیچگونه اقدامی کند و هیچگونه قدمی بر نخواهد داشت و نظریات جناب آقای دکتر مصدق را در باب آذربایجان و سیاست خارجی بنده بطور خلاصه خدمت آقای نخست وزیر عرض میکنم و هم خدمت آقای وزیر خارجه (۱)

نطق مهندس فریور

در جلسه پنج شنبه ۲۰ دیماه ۲۴ آقای مهندس فریور نماینده طهران در باره کنفرانس مسکو و کمیته سه جانبه بیاناتی نمود که از مذاکرات مجلس شماره ۲۶۸ صفحه ۱۰۰۳ نقل میشود :

عرض کنم که مدتی قبل یعنی چند روز قبل از انعقاد کنفرانس وزرای امور خارجه دو مسکو بنده یکروز آمدم اینجا و برای پیشینی نسبت باین مسئله که تصمیمی در خیاب ملت ایران، در غیاب نماینده ملت ایران راجع بایران گرفته نشود که مستلزم مضاری برای کشور ایران باشد عرایضی کردم و چون مسبوق بیک سوابقی بود اینجا عرض کردم که نباید بهانه‌هایی که فعلاً از زبان بیگانگان شنیده میشود از قبیل عدم لیاقت هیئت حاکمه ایران بحساب ملت ایران گذاشته بشود و برای ملت ایران خدای نکرده تصمیمی گرفته بشود بر خلاف منافع او (صحیح است) آنروز جناب آقای هژیر وزیر دارائی برخاستند در جواب من و بدو تعریف هیئت حاکمه را برای بنده کردند که مراد از هیئت حاکمه مجلس است و دولت مجبوعاً، بنده هم در این تعریف تردیدی نداشتم و فرمودند که هیئت حاکمه برای اعتلاء ملت ایران کار کرده است، این نظر هم تا چه اندازه صحیح است باید دید نتیجه‌اش چیست؟ باید نتیجه مراجعه کرد نتیجه هرروز و هر ساعت در مقابل چشممان مشهود است، این وضع ملکیت است آن وضع ملت، بنابراین بنده زیاد راجع باین موضوع لازم نیست دلیل و برهان تهیه کنم و ضمناً چون من اظهار نگرانی کرده بودم که مبادا تصمیمی گرفته بشود که بضرر ملت ایران باشد ایشان از ذکر این نقطه خیلی اظهار نگرانی کردند که بنده مختصراً بعد از نطق ایشان عرض کردم که من آقا از خود مرض میترسم نه از اسم مرض، اسم مرض را بردن و احتیاطات لازمه را کردن برای اینکه مرض متولی نشود عیبی ندارد نباید غفلت کرد و نباید سایرین را غافلگیر کرد که یکمرتبه آدم مبتلا بشود خوشبختانه در کنفرانس مسکو، بعد از خاتمه‌اش معلوم شد که نظر بنده موافق سه دولت تصمیمی راجح

بایران گرفته نشده. بنده اینکه عرض میکنم خوشبختانه برای این است که متقدم هر وقت تصمیمی در غیاب نمایندگان حقیقی ملت ایران در بین بیگانگان که در سرزمین ایران حاضری دارند گرفته شود و موافقت حاصل بکنند علی الاطلاق (تهرانچی - بر ضرر ماست) چیزی که کمتر مورد توجه آنها قرار خواهد گرفت منافع ما است (صحیح است - صحیح منتشر شد، مردم بما رجوع می کردند که ناسلامتی تو و کیلی بگو بینیم این کفرانس، این کمیسیون سه دولت راجع بایران چیست، اطلاع رسمی مطلقاً ما نداشتیم که کم و بیش سرو صداها زیاد شد تا بالاخره بهمت چند نفر از آقایان نمایندگان قرار شد ملاقاتی بشود از آقای حکیم الملک در وزارت امور خارجه و معلوم بشود اصلاً موضوع چیست؟ روز دوشنبه عصر یکمدهای بر حسب دعوت آقای رئیس مجلس بوزارت خارجه رفتند وقتی که رفتیم آنجا خواستیم اول موضوع قضیه را بفهمیم که چی هست؛ آقایانیکه تشریف داشتند اغلبشان حاضرند دولت یعنی آقای حکیم الملک و آقای وزیر امور خارجه يك ورقه همین طور که دبروز جناب آقای دکتر مصدق فرمودند بدون امضاء؛ فارسی و انگلیسی آوردند ارائه دادند و در بدو امر هر قدر اصرار شد از طرف نمایندگان حاضر که نظر خودتان را هم اضافه بکنید گفتند که «ما نظر خود را بعد از نظر نمایندگان خواهیم گفت» حتی خوب یاد می آید که آقای ملک مدنی نایب رئیس محترم مجلس خیلی تند می کردند که دولت قوه مجریه است، دولت باید نظرش را بگوید و بعد ما اظهار نظر بکنیم ولی مطلقاً اظهار نظر نکردند و موکول کردند بنظر مشورتی نمایندگان حاضر و البته ابتدای امر آقای نجم وزیر امور خارجه خیلی گله کردند از اینکه «در این مملکت ما هیچ مطلبی مغفی نمی ماند من مطالبی را که در کمیسیون خارجه صحبت کردم بعد در روزنامه ها منعکس شده است» و از این قبیل. بنده عرض کردم آقا مسائلیکه منعکس شده است در روزنامه ها بیشتر از رادیوها بوده است و این موجب کمال بدبختی است که ملت ایران در جهل و نادانی و عدم اطلاع از وقایع باید بماند و منتظر شنیدن خبر از رادیو های بیگانه باشد (صحیح است) و در این صورت شما که وزیر امور خارجه هستید انتظار نداشته باشید که اخبار را آنطوریکه هست ملت مطلع بشود. چرا؛ برای اینکه هر رادیویی هر خبری را مطابق مذاق و سلیقه شخصی خودش منتشر میکند و اشخاصی هم که رادیو را میشوند با اوقات آن مطالب را مطابق سلیقه شخصی خودشان ترجمه و تفسیر میکنند، یکی میشوند، به آقا میگویند، آقا بدیگری میگویند، يك چیزی تویش در می آید که معلوم نیست تا چه اندازه صحیح است بهر صورت تا آن تاریخ شخص بنده خیال میکنم اغلب نمایندگان که آنجا تشریف داشتند تصور میکردند که این موضوع مربوط است به يك کمیونی که بیاید بایران برای رسیدگی بعضی وقایعی که اخیراً اتفاق افتاده است، يك رسیدگی، يك کسب اطلاعاتی برای تهیه گزارش. بکند ولی بعد از اینکه آن یادداشت خوانده شد (آن ورقه در اصطلاح سیاسی که با یادداشت بمعنای اخس اشتباه نشود) آن ورقه بعد از اینکه خوانده شد معلوم شد این ورقه مشتمل بر موادی است، ۱۱ ماده است که رو به بر فرته همانطوریکه دبروز جناب آقای دکتر مصدق بعرض آقایان رساندند: «صدر حجت قرارداد و نون الدوله» دوسه ماده اش، البته عین مواد را چون ندارم عین عبارت را (و در مسائل سیاسی هم عبارات و جملات و کلمات معانی خاصی دارند) نمیخواهم تکرار بکنم ولی مفاد دوسه تارا دبروز جناب آقای دکتر مصدق بعرضتان رساندند که یکیش این بود، راجع بوظائف انجمن های محلی - آن کمیسیون راجع بوظائف انجمن ها، راجع باجرای قوانین مشروطیت در ایران - راجع بطرز تهیه و تدارکات وجود، توسعه.

هائی خواهد کرد یعنی تمام امور مملکت (شریعت زاده - برای انجمن ها) یکی دیگر استعمال زبان، استعمال زبانهای بعضی اقلیتها از قبیل کردی و عربی و ترکی را بنظورهای فرهنگی تعلیماتی و منظورهائی دیگر توصیه خواهد نمود (تیسورتاش و غیره) بلی و از این قبیل بالاخره ماده آخرش است یا ماقبل آخرش که میگوید: « نمایندگان سه دولت (حاذقی - ماده هشتم) بلی ماده هشتم، نمایندگان سه دولت ایران را متقاعد میسازند که توصیههای مزبور را به صورت قانونی در آورده این مواد آقا حیلی قابل دقت است، خیلی قابل توجه است (صحیح است) (تیسورتاش - بقدری واضح است که قابل دقت نیست) (حاذقی - باید رد کرد قابل دقت نیست) بلی حالا میرسم بآنجا یعنی يك سه نفری بیایند اینجا - يك توصیه هائی بکنند و آن توصیه مهم بصورت قانونی در بیاید - خوشبختانه در نتیجه مذاکرات مفصلی که آن شب شد که همه بالاتفاق به رد این ورفه با این پیشنهاد رای دادند یعنی بدوات توصیه کردند (صحیح است) و خود آقای حکیم الملک هم در آخر کار فرمودند من هم مخالفم و میبیم مسائلی هست که من مخالفم (بعضی از نمایندگان - همه مخالفند) از جمله بحث هائی که آن - شب شد بنده عرض کردم که چون این مصوب پیش آمده بود که آیا سه دولت متفقاً این پیشنهاد را داده بودند یا دو دولت از طرف سه دولت، و دیروز هم اینجا جناب آقای دکتر فرمودند بنده بعضی که آنشب کردم این بود که اگر این سه دولت متفقاً این پیشنهاد را داده باشند بضرر ما است و اگر دوتا از طرف سه تا داده باشند باز هم بضرر ما است، اگر یکی هم داده باشد از طرف سه تا باز بضرر ما است - ماهر سه صورت، هر سه شق مسئله را باید مطالعه بکنیم در هر سه صورت بضرر ما است و دیگر رد کردنش معطلی ندارد برای اینکه مطابق همان اصلی که در اول عرض کردم اگر سه دولت متفق شده باشند برای این امر، کار ما ساخته است - اگر اختلاف باقی باشد وضع فعلی تشدید میشود یعنی موافقت نکنند روی این امر - بهر صورت بعد از آن جلسه و بعد از بیانات جناب آقای دکتر مصدق بنده لازم نیست توضیح زیادی در اطراف این مسئله بدهم ولی يك نکته است که بنده اینجا خواستم توجه بدهم و بیشتر خطابم با آزادیخواهان این مملکت است، یا شغامی است که ایدآل و کمال مطلوبشان رفاه و سعادت ملت ایران است و آن این است که خوب در نظر بگیرید آقایان تشابه وضع موجود امروز را با وضع ایران بعد از جنگ بین المللی اول (صحیح است) (یوررضا - چه دوره بود ؟) ۱۹۱۹ همان وقتیکه قرارداد وثوق الدوله را برای ما آوردند (اردلان - آقای مهندس فریور اگر ما با آلمان اعلان جنگ داده بودیم وضعمان بهتر از این بود) (تیسورتاش - با آلمان اعلان جنگ دادیم) صحیح است، نظایر همان قراردادها، من باز از جناب آقای هزیر معذرت میخواهم که وارد رشته تخصصی ایشان شدم و دارم در تاریخ صحبت میکنم ولی اشکالی ندارد نظایر همان قراردادها، نظایر همان اوضاع و احوال، همان فتوت ها را دارند برای مادرست میکنند (صحیح است) بدبختانه همیشه دام بکرنک نیست، اگر همیشه دام بکرنک بخصوصی - داشت مرغ تویش نیافتاد، نوعش عوض میشود، ظاهرش عوض میشود - من مقصودم از تمام این تصدیق این بود که آزاد بخوانان ایران را متوجه رنگهای مختلف دامپائی که هر روز در راه مصالح و منافع ایران گسترده میشود بکنم بدون اینکه با کسی از حمله بعضی عناصر معلوم داشته باشم، همان عناصری که آنروز از قرارداد وثوق الدوله حمایت میکردند، امروز کم و بیش با همین طرح اظهار موافقت میکنند و بمردم میخواهند اینطور بفهمانند که این کمیسیون فقط برای رسیدگی است، برای نظارت است - بنابراین من خواستم دو مرتبه تکیه کرده باشم روی بعضی از مواد این پیشنهاد که ملت ایران بداند این پیشنهاد چه پیشنهاد خائنانه براندازی است برای ملت ایران (صحیح است) این صحبت نظارت نیست صحبت

کمیسیون اطلاع نیست (صحيح است) بمردم خلط مبحث نکنید، بمردم القاء شبهه نکنید، اگر چه مردم کم و بیش میدانند که کی چکاره است .
نمایندگان - صحيح است . احسنت .

نامه دکتر مصدق

باقای حکیم الملک

چون در هیجدهم دیماه که بیاتیه وزارت امور خارجه و بیاتیه دکتر مصدق در جرائد مرکزی منتشر شد رادیوی دهلی هم در اخبار فرانسه خود ساعت هشت بامداد این خبر را داد: «آقای تقی زاده سفیر کبیر ایران در لندن به استه تینوس رئیس کمیسیون مخصوص تنظیم برنامه سازمان مللتهای متفق اطلاع داده است که دولت ایران از قید موضوع ایران در برنامه مذاکرات مجمع عمومی خود داری خواهد کرد. تا اینکه کوششهایی که اکنون برای تشکیل يك کمیسیون سه جانبه و حل قضیه در جریان است مختل نگردد» و روزنامه اطلاعات نیز خبر مشابه دیگری از رادیوی لندن منتشر نمود. پیرو این اخبار دکتر مصدق نامه ذیل را با آقای حکیمی نخست وزیر نوشت (۱).

جناب آقای حکیمی نخست وزیر!

روزنامه اطلاعات در شماره ۵۹۵۳ مورخ هیجدهم دیماه ۱۳۲۴
خبر ذیل را منتشر کرده است:

رادیوی لندن - امر و ز قبل از ظهر: «سفارت کبیرای ایران در بمستر استه تینوس رئیس کمیته مخصوص تنظیم برنامه سازمان ملل متفق اطلاع داده که موضوع ایران در فهرست کارهای جلسه سازمان مزبور وارد نشده است و لسی کوششهایی مبدول خواهد شد که کمیسیون بررسی موضوع ایران هر چه زودتر تشکیل شود»

این جانب توانستم درك کنم که آقای تقی زاده از چه نظر موضوع ایران را جزو فهرست کارهای جلسه سازمان وارد نمودند؟! زیرا اگر دولت نتواند قضیه آذر با بجان را بطور مستقیم حل کند تنها امیدی که برای ما هست همان طرح موضوع در سازمان

ملل متفق است لذا درخواست میکنم که آن جناب فوراً با آقای
نقی زاده تلگراف فرمائید دری را که بسته اند باز کنند و از خر
شیطان پائین بیابند دکتر محمد مصدق .

نامه

نماینده اول تهران

بروز نامه اطلاعات

انتشار این مراسم سبب شد که روزنامه اطلاعات نظریات خود را درج کند
و نطق دکتر مصدق را که در جلسه نوزدهم دیماه مجلس شورای ملی ایراد شد
بود با این مراسم متعارض بدانند این بود که برای رفع سوء تفاهم دکتر مصدق نامه
ذیل را بآن روزنامه نوشت: (۱)

۲۵ دیماه ۱۳۴۴

اداره روزنامه اطلاعات!

چون در شماره ۵۹۵۸ مورخ ۲۴ دیماه آن روزنامه محترم تحت عنوان «تغییر دولت»
چنین اظهار شده است: «بکی از مخالفین دولت اکنون شخص آقای دکتر مصدق میباشند که ما
همواره با نظر احترام بافکار و آراء شخص ایشان نظر داشته ایم ایشان در يك مورد دولت
آقای حکیمی را مورد اعتراض قرار دادند که در قضیه آذربایجان چرا این مسئله را جنبه
بین المللی دادند و اخیراً اعتراض نمودند که چرا دولت قضیه ایران را سازمان ملل متفق
مراجعه نکرده است. در این مورد فرض کنید دولت خواسته باشد از نظر آقای دکتر مصدق
پیروی کرده باشد چگونه جمع بین این دو نظر نماید...»
جواباً لازم میدانم نظریات خود را تکرار کنم و سوء تفاهمی که ممکن است از مندرجات
بعضی جرائد دست دهد رفع نمایم.

در جلسه ۱۹ دیماه مجلس شورای ملی نظریاتم این بود: «بین دولت راجع بطرز
اداره نمودن قسمتی از مملکت با یک عده از اهالی آنجا اختلاف حاصل شده است. قبلاً باید
با اهالی دولت داخل مذاکره شد. شاید اختلاف را بتوان با خود آنها حل کرد و چنانچه باین
طریق نتیجه نداد با دولت اتحاد جماهیر شوروی مذاکره کنیم که مانع مرتفع و اختلاف حل
شود. بنابراین صلاح نیست که دولت انگلیس و آمریکا بنام سه دولت با ما داخل مذاکره شوند
و در سایر نقاط ایران هم که هیچوقت اختلافی نداشتیم ایجاد اختلاف کنند، ما باید این اوراق را
رد کنیم و بهیچ وجه حاضر نشویم که در آن مذاکره نماییم»

بنابر آنچه عرض شده این جانب اعتراض نمودم که دولت راه بین المللی غلطی را
انتخاب نموده است و چون بعد از بیانات ۱۹ دیماه در مجلس خبر ذیل را نقل از رادیو لندن
در روزنامه اطلاعات خواندم:

«سفارت کبرای ایران در لندن به مستر استی تی نینوس رئیس کمیته مخصوص تنظیم
برنامه سازمان ملل متفق اطلاع داده که موضوع ایران در فهرست کارهای جلسه سازمان

مزبور وارد نشده است ولی کوشش هائی مبذول خواهد شد که کمیسیون بررسی موضوع ایران هرچه زودتر تشکیل شود.

این بود که لامصله آقای نخست وزیر نوشتم که «این جانب توانستم درک کنم که آقای تقی زاده از چه نظر موضوع ایران را جزو فهرست کارهای جلسه سازمان ننموده اند زیرا اگر دولت نتواند قضیه آذربایجان را بطور مستقیم حل کند تنها امیدی که برای ماهیت همان صرح در سازمان ملل متفق است»

این جانب تصور میکنم که سفارت کبرای ایران این اقدام را از این نظر ننموده که در سازمان بروی ما بسته شود تا ناچار شویم با نقشه شومی که برای محو استقلال مانرسم شده بود موافقت کنیم و من یقین دارم که اگر وقت نگذشته باشد و آئین نامه داخلی سازمان اجازه دهد این در بروی ما باز میشود - هیچکس نمیتواند انکار کند که بین مذاکراتی که با دولت میشد و مراجعه سازمان ملل متفق فرق بسیار نیست زیرا سازمان مزبور نمیخواهد باما قراردادی منعقد کند و قراردادی از قرارداد او توفیق الدوله بدتر منعقد نماید.

این جانب عقیده ندارم که قبل از مذاکره با اهالی محل و یا با دولت شوروی باین سازمان مراجعه کنیم و ماده ۳۳ منشور ملل متفق می گوید :

«طرفین هر اختلاف که دوام آن ممکن است باعث تهدید نگاهداری صلح و امنیت بین المللی گردد باید قبل از هر چیز حل آن را از مجرای مذاکرات - بازرسی - میانجیگری آشتی - داوری - هیئت قضائی - مراجعه بیوسات با قراردادهای معلی و با بوسایل مسالمت آمیز دیگری با انتخاب خود جستجو نمایند.»

ملاحظه می کنیم که ماده مزبور در درجه اول مذاکرات را در نظر گرفته است و چون راه مذاکرات این دولت مسدود است از این جهت بکرات از جناب آقای حکیمی نخست وزیر درخواست نموده ام از کارکناناره جوئی کنند تا دولتی روی کار آید که بتواند وضع اختلاف نماید و باز صریحاً عرض می کنم اگر ای که ممکن است با دست باز نمود نباید آنرا با دندان کوز کرد و نا از طریق مذاکرات مایوس نشویم مراجعه سازمان ملل متفق را برخلاف صلاح ممکنست دانو آن دولتی هم که میتواند وارد مذاکرات شود این دولت نیست و آقای نخست وزیر هرچه زود تر کناره جوئی کنند بهتراست و صلاح نیست که پیش از این در بقای خود اصرار نمایند.

دکتر محمد مصدق

دفاع آقای حکیم الملک

نتیجه مساعی و اقدامات بعضی از نمایندگان مجلس ۱۴ این شد که آقای حکیمی نخست وزیر در جلسه بیست و پنجم دیماه ۲۴ مجلس شورای ملی برای تبرئه عمال دولت نطقی ایراد کند که ما آن قسمتی را که مربوط باین موضوع است از روزنامه مهر ایران مورخ بیست و هشتم دیماه ۳۲۴ شماره ۱۱۱۶ نقل مینمائیم :

«... در این ضمن دولتی آمریکا و انگلیس سخنهاً اطلاع دادند که هر سه دولت در مسکو مذاکره نمودند که هر سه دولت ایران هم رضایت داشته باشد کمیسیونی از طرف آنها بایران بیاید. شرایط و وظائف کمیسیون را هم بماتهند ما به پیشنها مزبور بصورتی که آنها در نظر گرفته بودند بدون تأمل و فوری